بیانیهٔ مشترک

حزب تودهٔ ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چگونه بر دشواری‌های تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم؟

انقلاب شکوهمند ضدسلطنتی، ضداستبدادی، ضدامپریالیستی ومردمی میهن عزیزما، که به درستی یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای سیاسی سال‌های اخیر جهان ارزیابی می‌شود، لحظات بسیارحساس وسرنوشت‌سازی رامی‌گذراند. این حساس بودن از آن‌جا ناشی می‌شود که انقلاب بزرگ مادرلحظهٔ کنونی، درگیر یکی ازسخت‌ترین نبردهای دوران موجودیت خود با دشمنان انقلاب است.

ویژگی برجستهٔ لحظهٔ کنونی انقلاب‌ما دراین‌است که از یکسو بادرهم شکسته‌شدن توطئهٔ سازشکاران و تسلیم‌طلبان لیبرال و گمراهان چپ‌رو، سد بزرگی از سر راه برای ژرفش انقلاب در دوسمت‌گیری اساسی‌اش یعنی سمت‌گیری ضدامپریالیستی وسمت‌گیری‌مردمی برداشته‌شده‌است وازسوی‌دیگرمقاومت عنودانه و خیانت‌کارانه طیف نیروهای دشمن‌انقلاب برای‌جلوگیری‌ازاین‌گرایش شدت‌مییابد.

بدون‌تردیدرهنمود امام‌خمینی، رهبرانقلاب وبنیانگذارجمهوری‌اسلامی در باره‌لزوم‌اتخاذتصمیمات همه‌جانبه‌بسود محرومان‌وتفویض اختیارات‌مهمی‌دراین زمینه‌به‌مجلس شورای‌اسلامی، گام‌تاریخی‌است‌که‌درجهت‌ایجاد شرایط ضروری‌برای تثبیت‌وتحکیم‌وگسترش‌انقلاب وپیشروی‌بسوی‌تامین عدالت‌اجتماعی‌برداشته‌شده‌است.

این‌گام‌تاریخی‌همهٔ نیروهای‌انقلابی‌راهم‌درجهت‌سازندگی وهم درجهت مبارزه‌علیه‌همهٔ توطئه‌های‌ضدانقلابی‌وسرچشمه‌های‌این‌توطئه‌ها پرتوان‌تر ساخته است. مقاومت عنودانه‌وسرسختانهٔ دشمنان‌انقلاب‌شدت‌پیدامی‌کندواراده‌ٔ نیروهای‌عظیم‌انقلابی‌میهن‌مابرای‌درهم شکستن‌این‌مقاومت هرروزراسخت‌تر وتوان‌آن‌ها هر روزبیشترخواهدشد. دشواری‌برسرراه‌پیشرفت‌انقلاب شکوهمند میهن‌ما هنوز بسیار است‌ولی‌توان‌انقلاب‌برای‌چیره‌شدن‌براین‌دشواری‌ها‌به‌مراتب‌زیادتراست.

انقلاب شکوهمند ما که با شرکت همه نیروهای ضدامپریالیستی، آزادیخواه و مردمی وبا ایثار کم‌نظیر توده‌های ده‌هامیلیونی زحمتکشان شهر وروستا و به

رهبری بادرایت امام‌خمینی، با پیروزی بزرگ تاریخی خود، ضربهٔ بسیار دردناکی برپیکر دشمنان سوگندخوردهٔ خلق‌های کشورما و بیش از همه بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا وارد ساخت، از همان دوران اوج‌گیری خود، آماج کینهٔ آشتی‌ناپذیر این دشمنان قرارگرفت. اکنون وضع چنین است که‌امپریالیسم آمریکا، درمقام سرکردهٔ همهٔ دشمنان انقلاب ایران، یعنی: امپریالیسم جهانی، رژیم‌های ارتجاعی منطقه و نیروهای ضدانقلاب کشورما، پس از آن که تجاوز جنایت‌بار آمریکایی- صدامی به خاک میهن ما به اهداف خود نرسیدو آخرین توطئه‌شان که به دست بنی‌صدر پیاده می‌شد، با ناکامی روبرو گردید، تمام امکانات خود را برای تدارک و انجام توطئهٔ تازه‌ای درجهت براندازی قهرآمیز نظام جمهوری اسلامی ایران به کارگرفته است.

عناصر پنجگانهٔ این توطئهٔ خطرناک چنین اند:

۱. جلوگیری از تثبیت حاکمیت متکی به قانون وعدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، از راه تشدید تشنج درجامعه، به کمک ترویج تروریسم کور، و ایجاد کانون‌های شورش و بهره‌گیری از تجاوزنظامی عراق و جنگ تحمیل شده به میهن‌ما، تجاوز درمرزها و درگیرکردن کشورما درجبهه‌های دیگر؛

۲. تشدید دشواری‌های اقتصادی، از راه تشدید فشارهای اقتصادی از خارج و خرابکاری‌های اقتصادی از راه احتکار- گرانفروشی و غیره به وسیلهٔ غارتگران داخلی؛

۳. روشن کردن ودامن زدن به آتش نفاق، چنددستگی و زدوخورد میان نیروهای ضدامپریالیستی ومردمی؛

۴. تشدید همه‌جانبهٔ عوامل ناراضی‌کنندهٔ قشرهای گستردهٔ مردم شهر و روستا؛

۵. اخلال هرچه بیشتر درمناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورها و جنبش‌ها و همهٔ نیروهای جهانی پشتیبان انقلاب ایران.

دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، امیدوارند که با کامیابی دراین پنج جهت، نظام جمهوری اسلامی ایران را آن‌چنان ناتوان سازند که برانداختن آن از راه ضربه‌ای از درون ویا از بیرون و یا از راه جازدن خائنی مانند سادات و یاحفیظ‌الله امین، بدون دشواری انجام پذیرد.

حزب تودهٔ ایران وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با احساس مسئولیت تاریخی خود دربرابر انقلاب، برآنند که تنها باتجهیز واتحاد همهٔ نیروهای وفادار به آماج‌های انقلاب می‌توان این توطئهٔ خطرناک دشمنان انقلاب را با کم‌ترین تلفات عقیم گذاشت، انقلاب را درجهت رسیدن به این آماج‌ها به‌پیش برد و نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای مردمی آن را، دربرابر توطئه‌های آینده دشمنان انقلاب گزندناپذیرساخت.

حزب‌تودهٔ ایران وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با اعتقاد راسخ به این اصل، یعنی ضرورت تاریخی اتحاد همهٔ نیروهای وفادار آماج‌های انقلاب شکوهمندمان، نخستین گام را برای پایه‌ریزی چنین اتحادی برمی‌دارند

و با ارائهٔ یک تحلیل مشترک ازلحظهٔ کنونی، ازدشواری‌ها و راه چیره‌شدن‌بر آن‌ها، همهٔ نیروهای انقلابی راستین را، صرف‌نظر از تفاوت‌درعقاید مسلکی و مذهبی، به تلاش برای تحقق چنین اتحاد فراگیری از نیروهای انقلابی راستین که‌ضربهٔ مهلکی برهمهٔ توطئه‌های دشمنان انقلاب خواهد بود، فرامی‌خوانند.

★ ★ ★

دشواری‌های انقلاب

همهٔ هواداران راستین انقلاب و مسئولان واقع‌بین جمهوری اسلامی ایران دراین ارزیابی متفق‌اند که انقلاب در راه تثبیت و تحکیم و گسترش خود با دشواری‌های‌فراوان روبروست.

بررسی کمی موشکافانه‌تر نشان می‌دهد که این دشواری‌ها به طورعمده دو سرچشمه دارند:

۱. توطئهٔ همه‌جانبه و پیگیر جبههٔ‌متحد دشمنان انقلاب ایران درخارج و داخل کشور؛

۲. کمبودها و نارسایی‌های ناشی از بی‌تجربگی‌ها، اشتباهات،تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها وارزیابی‌های‌نادرست،از سوی بخش مهمی ازنیروهای مدافع انقلاب ومسئولان جمهوری اسلامی‌ایران.

ـ **آنچه که ازسرچشمهٔ اول برون می‌ریزد**، مجموعهٔ اقدامات کین‌توزانه‌ای است که به وسیلهٔ طیف گستردهٔ‌جبههٔ متحد دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و با دستیاری همهٔ عوامل شناخته شده وشناخته نشده‌اش درجهان و ایران، پی درپی علیه انقلاب میهن ما انجام می‌گیرد. بخشی از این اقدامات قابل دیدن ومحسوس است، مانند: محاصرهٔ اقتصادی ازسوی آمریکا و همدستانش در اروپای غربی وژاپن، توقیف دارائی‌های ایران، توطئهٔ **کودتای** طبس، کودتای نوژه، حملهٔ نظامی رژیم‌صدام به ایران، ایجاد آشوب وشورش‌ضدانقلابی درکردستان، توطئه برای مسخ و منحرف ساختن‌انقلاب به یاری دست‌آموزانی چون امیرانتظام‌ها، قطب‌زاده‌ها، یزدی‌ها، بنی‌صدرها، سلامتیان‌ها و نوبری‌ها و دیگر لیبرال‌های آمریکازده "جبههٔ ملی"، "نهضت آزادی"، "رنجبری"ها و سایر گروهک‌های آمریکاساخته، و سرانجام اجرای نقشه‌های تروریستی ـ بخشی به دست ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و جنایتکاران حرفه‌ای وبخشی به دست گمراهان وبازی خوردگان جوانی که به آلت بی‌ارادهٔ اجرای دستورهای تبهکارانهٔ رهبران خائن خود تبدیل شده‌اند.

گروه دیگر دشواری‌های ناشی از اقدامات امپریالیسم، به آسانی قابل‌دیدن نیستند. این دشواری‌ها از یکسو به دست ستون‌پنجم امپریالیسم در زمینه‌های اقتصادی، یعنی کلان سرمایه‌داران وبزرگ مالکان و وابستگان به اقشار ممتازجامعه ایجاد می‌شود، و ازسوی دیگر به دست ستون پنجم سیاسی امپریالیسم،

یعنی ساواکی‌ها و سایرتفاله‌های آمریکا که خود را درنهادهای انقلابی ومقامات مسئول کشوری و لشگری واطلاعاتی جمهوری‌اسلامی ایران درنقاب "مسلمان متعهد" جازده‌اند- این عناصر با خرابکاری‌های اقتصادی وسیاسی خود نظام جمهوری اسلامی ایران را مانندخوره ازدرون می‌خورند وناتوان می‌کنند و به شیوه‌های مزورانه تخم‌نفاق و دشمنی درمیان مبارزان راه انقلاب- اعم‌ازمسلمانان مبارز ودیگرنیروهای مدافع راستین انقلاب می‌کارند.

توطئهٔ ناراضی‌تراشی یکی ازعمده‌ترین ترفندهای دشمنان انقلاب، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست. این دشمنان سوگندخوردهٔ انقلاب، در دوران دوسال وسیعی که ازپیروزی انقلاب می‌گذرد، با این واقعیت که برای آنان بسیار تلخ است، آشنا شده‌اند که، بدون ایجاد تزلزل درپایگاه اصلی انقلاب، یعنی درمیان توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر وروستا، ضربت‌زدن به انقلاب نتیجهٔ مطلوب برایشان بارنخواهد آورد.

از این‌رو است که ناراضی‌کردن توده‌های میلیونی یکی از مهم‌ترین بخش‌های فعالیت نامرئی ضدانقلاب را تشکیل می‌دهد. این عمل به‌شیوه‌های گوناگون انجام می‌گیرد: هم ازراه جلوگیری از دگرگونی‌های بنیادی به سود محرومان جامعه، تخریب درتولید و افزایش بیکاری، گران کردن کالاهای موردنیاز همگان و غارت روزافزون درآمد ناچیز زحمتکشان به دست سرمایه‌داران رالوصفت، وهم از راه‌های بسیار زیرکانه ومودیانه‌ای مانند ایراد فشارهای به‌کلی غیرضرور به مردم درزمینه‌های مختلف زندگی آنان، وسرانجام ازراه تصفیه‌های مشکوک که هدفش دربسیاری موارد برکنارکردن عناصر وفادار به انقلاب وپشتیبان جمهوری اسلامی ایران از کار وجایگزین کردن آنان با عناصری از قماش امیر انتظام‌ها، کلاهی‌ها، کشمیری‌ها، صادق‌ها و معزی‌ها درسطوح مختلف است.

مجموعهٔ این دشواری‌ها، یعنی هرآن چه که محصول مقاومت کین‌توزانه و آشتی‌ناپذیر طیف دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست، ارهمان روزهایی که پیروزی انقلاب درافق پدیدارشد، قابل پیش‌بینی و بخش عمده‌ای از آن‌ها بی‌تردید قابل پیشگیری و اجتناب بود. تجربهٔ ده‌ها و ده‌ها انقلاب مردمی وضدامپریالیستی‌درسراسر جهان نشان می‌دهد که درآن انقلاب‌ها نیز نیروهای ضدانقلاب خارجی وداخلی تقریبا عین همین توطئه‌های تبهکارانه راعملی کرده‌اند. این که این توطئه‌ها تا چه حد توانسته است دراین یا آن انقلاب مشخص موفقیت‌آمیز باشد، بستگی به آگاهی، هم‌بستگی و آمادگی‌نیروهای پاسدار و نگهبان انقلاب برای رویاروئی با این توطئه‌ها داشته است.

با کمال تاسف باید گفت که نیروهای ضدانقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم جهانخوار آمریکا، توانسته‌اند، با بهره‌گیری از نقاط ضعف نیروهای انقلابی، برای بخش مهمی از توطئه‌های خود پوشش‌هایی به دست آورند.

دشواری‌هایی که ازسرچشمهٔ دوم بیرون می‌ریزد ناشی از بی‌تجربگی‌ها، اشتباهات، تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست است. این‌دسته از دشواری‌ها، درمجموع خود، محصول برخی عملکردهای منفی نیروهای فعال

انقلابی است، چه آن بخش از نیروهایی که اهرم‌های حاکمیت انقلابی را در دست دارند وچه آن بخش که، بدون شرکت درحاکمیت انقلابی، پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب را داوطلبانه پذیرا گشته‌اند. البته دراین میان مسئولیت بخش اول طبعا سنگین‌تر از مسئولیت‌بخش دوم است، درعین این که هردوبخش دربرابرخلق وتاریخ وانقلاب جوابگوی عملکرد خویشند واشتباه یکی نمی‌تواند به عنوان عذر وبهانه برای توجیه اشتباه دیگری، مورد استفاده قرار گیرد.

دراین‌دسته از دشواری‌ها، آنچه ازبی‌تجربگی و یا کم‌تجربگی وباحتی از اشتباهات ناشی می‌شود، می‌تواند درچارچوب معینی قابل بخشش باشد، زیرا هر نیروی انقلابی که حاکمیت را دردست می‌گیرد، با مسائلی روبرو می‌شود که درآن‌ها تجربه ندارد و فقط درجریان تلاش برای حل آن‌هاست که تجربه می‌اندوزد، ولی این تلاش هراندازه هم که همه‌جانبه و فداکارانه باشد، خالی‌از یک رشته اشتباهات نخواهد بود. چنین اشتباهاتی قابل توجیه‌اند. آن‌چه نابخشودنی است، دشواری‌های ناشی از تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست بخشی از آن نیروهایی است که درحاکمیت انقلابی اهرم‌های اساسی و تعیین کنندهٔ سرنوشت روند انقلاب را دردست‌دارند. این دسته از دشواری‌ها، به ویژه در دوران ما، یعنی در دوران فروپاشی سلطهٔ جهانی جابرانهٔ امپریالیسم، نقش تعیین کننده درسرنوشت انقلاب دارند، زیراتجربه انقلاب‌های چنددهسالهٔ پس ازجنگ دوم جهانی نشان داده است که درپیامد تغییرکیفی درتناسب نیروهای سیاسی ونظامی واقتصادی درجهان به سود انقلاب‌های رهایی‌بخش ملی ودولت‌های رهاشده از زنجیراسارت استعمارکهنه و استعمارنو، رهبری‌های انقلاب‌های ضدامپریالیستی ومردمی، درصورتی که بتوانند با درایت و تیزبینی همهٔ نیروهای بالقوه هوادار انقلاب را تجهیز کنند، می‌توانند برهمهٔ دسائس دشمنان انقلاب چیره شوند و، علی‌رغم‌برخی اشتباهات ناشی از کم‌تجربگی وبی‌تجربگی، انقلاب را تثبیت و تحکیم بخشند و آن را به سوی پیشرفت‌گسترش دهند. و برعکس، غلبه برتنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست‌در مقامات مسئول حاکمیت می‌تواند برای نفوذ عناصر دشمن ازیک سو وبرای رشددشواری‌های ناشی ازبی‌تجربگی و اشتباه از سوی دیگر، ونیز به کمک آن‌ها برای دسیسه‌های خطرناک و توطئه‌های رنگارنگ ضدانقلاب، و به ویژه توطئهٔ جداساری و به‌جان هم اندازی نیروهای انقلابی، محیط مساعدی پدید آورد.

با کمال تاسف مردم انقلابی ایران با نگرانی بسیارشاهد این واقعیت دردناک هستند که این بیماری خطرناک درانقلاب ما راه پیداکرده و ریشه دوانیده‌است جامعهٔ انقلابی ما درمرحلهٔ کنونی با طیف پهناوری از همهٔ این دشواری‌ها، یعنی هم با دشواری‌های ناشی از فعالیت دشمنان وهم بادشواری‌های ناشی از عملکرد منفی‌خودی، دست به گریبان است. ضمنا تاریخ انقلاب‌های پیروزشده وشکست خورده به ما می‌آموزد که‌چیره‌شدن بر پی‌آمدهای اشتباهات

و کم‌تجربگی‌ها و مهم‌تر از آن چیره‌شدن بردشواری‌های ناشی از فعالیت ضدانقلاب مهاجم و دسیسه‌گر، در درجهٔ اول مستلزم آنست که نیروهای موثر وتعیین کننده وبه ویژه حاکمیت انقلابی بتوانند برگرایش‌های خودمحوری و تنگ‌نگری و ارزیابی‌های نادرست وپیش داوری‌های بی‌پایه درصفوف خود چیره شوند.

برای چیره شدن بردشواری‌ها باید بیش از هرچیز این دشواری‌ها را شناخت، ریشه‌های آن‌ها را مشخص ساخت، نیروها و امکاناتی را که‌برای‌ریشه‌کن ساختن این دشواری‌ها وجوددارند، تشخیص داد و همهٔ این نیروها را، بدون هدردادن، درجبههٔ متحدی گردآورد، وبادرنظرگرفتن نیروها وامکانات موجود و ذخیرهٔ خودی وامکانات و نیروهای موجود و ذخیرهٔ حریف، نقشهٔ دقیقی برای نبرد تنظیم کرد و مبارزه را از راه واردساختن ضربهٔ اصلی بر ضعیف‌ترین نقطهٔ جبههٔ دشمن آغازکرد. کوتاه سخن، چیره‌شدن بردشواری‌هایی که دربرابر روند تثبیت و تحکیم وگسترش انقلاب قدعلم کرده‌اند، تنها با برخورد و برداشت انقلابی، با سمت‌گیری، ژرف‌بینی و پیگیری انقلابی، امکان‌پذیراست.

شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی ناپذیر

خوشبختانه امروز بخش عمده‌ای ازنیروهای‌انقلابی راستین (گرچه پس از پرداخت‌بهای سنگین)، امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم اروپای غربی وژاپن، رژیم‌های ارتجاعی منطقه، ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان، لیبرال‌ها، مائوئیست‌ها وسایر گروهک‌های آمریکازده، بزرگ‌مالکان وکلان سرمایه‌داران وحامیانشان رابه عنوان دشمنان انقلاب شناخته‌اند. این یک پیروزی بزرگ است.

ولی متاسفانه هنوز دربخش قابل‌توجهی ازنیروهای انقلابی که اهرم‌های حاکمیت را دردست دارند، درزمینهٔ شناخت کامل دوستان انقلاب ما، نقاط ضعف جدی وجود دارد.

به نظرما، عمده‌ترین عامل افزایش دشواری‌های ناشی از نفوذ ضدانقلاب در درون حاکمیت و نهادهای انقلابی، همین ضعف نیروهای راستین انقلاب در شناخت دوستان راستین ودشمنان آشتی‌ناپذیراست. در درون بخش مهمی از نیروهای انقلابی، این اصل برای سنجش به کارگرفته شده و می‌شود که: **"هرکس به ظاهر مرا صددرصد تایید کند، دوست است وهرکس مرا انتقاد کند، دشمن است.** با این سنجش، اگر کسی تظاهر به شعائر مذهبی کند، حزب تودهٔ ایران و سازمان فدائیان‌خلق ایران (اکثریت) را "خائن" خطاب کند و "مرگ برشوروی" رامطرح کند که شعار مرگ برآمریکا ازیادها برود، او "دوست" است، حتی اگر کشمیری‌وکلاهی‌وفخارزادهوصادقو... باشد. واگرکسی‌باصداقت وصراحت بگوید: من‌پیروسوسیالیسم علمی‌هستم‌و، باتکیه‌براعتقاداتم، ازخط ضداستبدادی وضد‌

امپریالیستی ومردمی **امام‌خمینی** پشتیبانی می‌کنم وحاضرم برای دفاع ازمیهنم درمقابل تجاوزآمریکائی صدام‌جان خودرا فداکنم، اودشمن است، و باید طرد شود.

با کمال تاسف، درپیامد عملکرد همین ضعف بزرگ و خطرناک، درنخستین دوسال پس از پیروزی فرصت‌های بسیارمناسبی برای سرکوب ضدانقلاب و تثبیت و تحکیم وگسترش دستاوردهای انقلاب ازدست رفت. دراین دوسال دشمنان انقلاب ایران موفق شدند بااستفاده‌ازعناصرخود در درون حاکمیت انقلابی، در آغاز بـه اتکای دولت "گام به گام" لیبرال‌های آمریکازده، و پس از آن به دست خودفروختگانی چون قطب‌زاده و بنی‌صدر و سلامتیان و نظائرشان، که‌هنوز هم نـمونه‌های شنـاخته نشـدهٔ آنـان چه‌بسا درجاهای‌حساس نشسته‌اند، ازیک‌سو، و امثال کشمیری و فخارزاده و کلاهی وصـادق و معـزی و... و بسـیاری دیگر لطمات‌سنگینی‌به انقلاب بزنند. درست است که نیروی لایزال توده‌های‌انقلابی وفداکاری وازخودگذشتگی وایثار کم‌سابقهٔ مبارزان راستین راه انقلاب، چه در حاکمیت ونهادهای انقلابی وچه درمیان نیروهای پشتیبان انقلاب درخارج از حاکمیت، زیر رهبری بادرایت، بی‌تزلزل و آشتی‌ناپذیر **امام‌خمینی**، این توطئهٔ خطرناک دشمنان انقلاب را تاکنون عقیم‌گذاشته است، ولی‌درهمین‌حال‌ساده‌نگری است اگرتصورشود که این توطئه منحرف‌ساختن انقلاب ایران از راه‌اصلیش، برای همیشه با شکست روبروشده است. اشتباه فاحشی است اگرپذیرفته نشود که زمینهٔ این توطئه، همان‌طور که امام‌خمینی یادآور شدند، محصول غفلتی است که مسئولان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بدان دچار شدند، و این غفلـت ضرباتی برپیکر انقلاب واردساخته، که تاکنون برای میهن ما بسیار گران تمام‌شده است. بجاست اگرهمهٔ مبارزان راه انقلاب هر روز صبح این گفتهٔ تاریخی امام خمینی‌رابه‌یادبیاورندودرتمام‌کارروزانهٔ‌خودهمواره بدان توجه داشته‌باشند:

"نباید فراموش کنیم که درجنگ‌با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا هستیم و تفاله‌های آمریکا. این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم. الان هـم هستند."

امام‌خمینی‌ـ گفتار ۵ شنبه ۱۱ تیر ۱۳۶۰

تنها با بکاربستن این رهنمود، نیروهای راستین انقلابی می‌توانندایـن‌خطرناک‌ترین سرچشمهٔ‌ایجاد تشنج و نفاق را در درون جبههٔ نیروهای انقلابی شناسایی کنند و این سرطان خطرناک را دورسازند. دراین ارتباط بسیاربجاست اگرتوجه کنیم که همهٔ عناصری که امروز خیانتشان مسلم‌شده است، باچند جنگ‌افزار سیاسی وارد میدان شدند: تظاهر به‌اسلام، حتی درمواردی تظاهر به"اسلام افراطی وقشری"، دشمنی کین توزانه با بخشی از پشتیبانان راستین انقلاب و به ویژه باحزب تودهٔ‌ایران، و برعکس گذشت ودوستی وپشتیبانی از ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان، ضدانقلابی‌ها، مائوئیست‌ها و سایر تفاله‌های آمریکا ودشمنی لجام‌گسیخته با کشورهای سوسیالیستی وبه ویژه با اتحاد شوروی از یک‌سو و

دوستی و آمادگی برای همکاری با آمریکا از راه اروپای غربی وژاپن ازسوی دیگر؛ حمایت از منافع غارتگرانهٔ کلان سرمایه‌داران وبزرگ‌مالکان وسایر زالوهای اقتصاد و مخالفت با سمت‌گیری مردمی انقلاب وجلوگیری از اجرای آن موادی از قانون اساسی، که مدافع منافع محرومان و محدودکنندهٔ غارت چپاولگران است.

بدین‌سان، نیروهای انقلابی برای شناخت دوستان راستین ودشمنان کین‌توز انقلاب پیش‌از هرچیز باید معیارهای درست برگزینند. بزرگ‌ترین‌وخطرناک‌ترین مانع دراین زمینه خودمحوری و تنگ‌نگری است. برپایهٔ خودمحوری وتنگ‌نگری قشری یا اجتماعی- طبقاتی هرگز نمی‌توان به معیارهای درست برای تشخیص دوست از دشمن دست یافت.

معیارهای سنجش دوستان و دشمنان انقلاب

موثق‌ترین معیار سنجش دراین زمینه، همان وفاداری به آماج‌هایی است که توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان، میهن‌دوستان و مبارزان راه استقلال وآزادی واقعی برای دست‌یافتن به آن‌ها، علیه جبههٔ متحد ضدانقلاب داخلی و امپریالیست‌های حامی‌اش به نبرد برخاستند و با جانبازی و ایثار کم‌نظیرانقلاب را به پیروزی رساندند. آماج‌های این انقلاب، که درجمهوری اسلامی ایران ودر قانون اساسی‌اش متبلورگردید، عبارت بود از:

- پایان بخشیدن به تسلط جابرانه وغارتگرانهٔ امپریالیست‌ها و تامین همه‌جانبهٔ استقلال ملی؛
- سرنگون ساختن کاخ استبداد و بیدادگری و تامین آزادی‌های فردی و اجتماعی برای توده‌های محروم از آزادی؛
- لجام زدن به غارتگری بی‌بندوبار چپاولگران اجتماعی وتامین‌عدالت اجتماعی به سود توده‌های محروم وغارت‌شده.

اگر ما این معیار را، که **امام خمینی** همواره وبدون کوچک‌ترین تغییر، مورد **تاکید** قرارداده‌اند، چه درمورد مناسبات با نیروهای اجتماعی دروں جامعهٔ **انقلابی** خودمان و چه‌درمناسبات کشورمان با دیگر کشورها و نیروهای اجتماعی سراسرجهان، **درست** به کاربریم، بی‌**تردید** خود را ازبسیاری از اشتباهات، و شاید از عمده‌ترین بخش آن، نجات خواهیم داد.

بزرگ‌ترین مسئولیت‌تاریخی آن بخش از نیروهای انقلابی، که خود را پیرو خط **امام خمینی** می‌داند، ساخت‌درست و کاربرد عقلائی همین معیاراست.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی ازدستاوردهای بزرگ انقلاب ایران، که‌برای تعیین معیارهای موردبحث

دارای ارزش بسیاراست، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. دراین قانون، صرف‌نظر از برخی کاستی‌ها و نارسایی‌ها، جهات اصلی سمت‌گیری انقلاب ضداستبدادی، ضدامپریالیستی ومردمی ایران ترسیم شده واصول ضرور برای رسیدن به آماج‌های انقلاب، یعنی "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" تاحد قابل توجهی پایه‌گذاری شده است. پذیرش تعهد صادقانه دراجرای بدون‌خدشهٔ قانون اساسی، نخستین گام در راه پشتیبانی از انقلاب شکوهمند مردم میهن ماست و به نیروهای انقلابی کمک می‌کند، تا معیارهای واقعی را برای شناخت دوستان ودشمنان انقلاب به دست آورند.

حزب تودهٔ ایران وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به عنوان نمایندگان یک جریان‌فکری ـ اجتماعی انقلابی، میهن‌دوست و آزادیخواه، که به دست آوردن استقلال همه‌جانبه، برانداختن کامل سلطهٔ جابرانهٔ استعمار و استثمار، دفاع از آزادی برای محرومان جامعه و دگرگونی‌های‌بنیادی‌اقتصادی‌ـ اجتماعی درجهت خواست‌های انقلابی‌ـ اجتماعی توده‌های ده‌ها میلیونی کارگران وسایر زحمتکشان شهر و روستا را اساس برنامهٔ خود قرارداده‌اند، نظر خود را دراین زمینه برای دیگر نیروهای انقلابی جامعه بیان می‌دارند. مااعتقاد راسخ داریم که این برنامه‌درچارچوب قانون‌اساسی کشورما قابل اجرا بوده و در عمده‌ترین زمینه‌های مربوط به مسائل اجتماعی واقتصادی، با آنچه که مبارزان مسلمان انقلابی، پیروان راستین خط **امام‌خمینی**، درچارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند، منطبق و یاحداقل بسیارنزدیک است. درست به همین جهت است که ما با اعتقاد راسخ به مبانی عقیدتی خود، با تمام نیرو از خط ضدامپریالیستی ومردمی **امام‌خمینی** پشتیبانی می‌کنیم وباپیگیری خستگی‌ـ ناپذیر در راه ایجاد جبههٔ متحدی از همهٔ نیروهای پیروخط **امام‌خمینی**، ازهمه نیروهای پشتیبان خط‌امام، که صادقانه به آماج‌های انقلاب مردمی ما وفادارند، می‌کوشیم:

الف. استقلال ملی

به نظرما، استقلال ملی برای خلق‌های میهن ما هنگامی تامین است که ریشه‌های هرگونه تسلط جابرانهٔ سیاسی، تسلط غارتگرانهٔ اقتصادی، تسلط آمرانهٔ نظامی و تسلط گمراه کننده و منحرف‌سازندهٔ فرهنگی استعمار واستعمارنو خشکانده شود وسرنوشت میهن ما و خلق‌هایی که درآن به سرمی‌برند، تنها و تنها با اعمال ارادهٔ آزاد توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان تعیین گردد.

طی دوسال ونیمی که ازپیروزی انقلاب شکوهمند میهنمان می‌گذرد، کامیابی‌های چشم‌گیری درزمینهٔ تامین **استقلال ملی به دست آمده است. هم‌اکنون نیز مردم میهن ما به پیکاری سرنوشت‌ساز برای تثبیت و تحکیم وگسترش این پیروزی‌ها مشغولند. با وجود این، ساده‌اندیشی است اگرتصور شود که انقلاب**

ایران درزمینهٔ استقلال همه‌جانبه به همهٔ آماج‌های خود رسیده است:

درزمینهٔ استقلال سیاسی امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا طی دوسال ونیم گذشته، درحاکمیت سیاسی، به وسیلهٔ عمالی که درنهادهای انقلابی جازده بود، درمجموعهٔ جوسیاسی فعال، پایگاه‌های نیرومندی را در اختیارداشت و از آن‌ها برای جهت دادن به سیاست خارجی و داخلی‌حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به طورموثر بهره‌گیری می‌کردو، با کمال تاسف بایدگفت که، هنوزهم می‌کند. حالا دیگر راز پوشیده‌ای نیست که تاهمین اواخر وزارت خارجهٔ ایران وتقریبا تمام ترکیب هیئت‌های نمایندگی ایران درسراسر جهان دردست بازماندگان عیان ونهان رژیم گذشته و پیاده‌کنندگان راه سازش با امپریالیسم، یعنی سنجابی‌ها، یزدی‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و سایر دستیارانشان قرارداشت.

درآن زمان سیاست خارجی ایران به طورمشخص درجهت هموارکردن راه سازش با امپریالیسم آمریکا، درجهت جلوگیری آشکار و بی‌پروا از گسترش مناسبات دوستانه باکشورهای انقلابی وجنبش‌های آزادی‌بخش ضدامپریالیستی که درجبههٔ واحدی با انقلاب ایران علیه امپریالیسم وصهیونیسم مبارزه می‌کنند، درجهت تیره‌ساختن مصنوعی مناسبات ایران باکشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحادشوروی، که همه‌جانبه از انقلاب ایران پشتیبانی‌می‌کنند، سیر می‌کرد.

دربرخورد با رویدادهای کشور همسایه و برادر ایران، افغانستان، یزدی‌ها وقطب‌زاده‌ها وبنی‌صدرها سیاست ایران‌را درست به صورت دنبالهٔ سیاست دشمنان‌سوگندخوردهٔ انقلاب ایران و همهٔ انقلاب‌های مردمی‌جهان، یعنی آمریکا، انگلیس، پاکستان، چین، عربستان، مصر و عمان درآوردند.

تصادفی نیست که پس ازگذشت بیش ازدوسال ونیم ازپیروزی انقلاب، میان کشور ما و کشورهایی چون جمهوری دموکراتیک خلق یمن و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، که دراولین سنگرهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی قرارگرفته‌اند، تازه دارد روابط سیاسی برقرارمی‌شود ودولت ایران هنوز از به رسمیت شناختن دولت انقلابی کامبوچیا خودداری می‌کند، و آن‌هم درشرایطی که این دولت انقلابی ازطرف همهٔ کشورهای جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی وهمهٔ جنبش‌های آزادی بخش ملی به رسمیت شناخته‌شده وتنها ازطرف امپریالیست‌های آمریکا، اروپای غربی وژاپن، و نیز چین واسرائیل ورژیم پینوشه وآفریقای جنوبی وسایر دشمنان انقلاب ایران تحریم‌شده است.

مردم ایران وهمهٔ نیروهای راستین انقلاب با خشنودی این واقعیت را مورد توجه قرارمی‌دهند که ازمدتی پیش ازبرکناری بنی‌صدر، و به ویژه پس از رسوایی وبرکناری خط آمریکایی سازش و تسلیم ازمیدان فعالیت سیاست‌خارجی ایران، گام‌های چندی درجهت تصحیح این گرایش بیمارگون برداشته شده است. امید است که این گام‌ها سرآغاز یک چرخش تاریخی درشناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب ایران درمیدان بزرگ نبردجهانی باشد.

به نظرما دردنیای امروز **استقلال واقعی وعدم‌وابستگی** هرکشور بدون **همبستگی** با جبههٔ عظیم ونیرومند جهانی ضدامپریالیستی امکان‌پذیر نیست. این جبهه، به طورتفکیک‌ناپذیر، تشکیل می‌شود از کشورهای سوسیالیستی، جنبش اصیل وانقلابی کارگری درکشورهای سرمایه‌داری رشدیافته و جنبش‌های راستین آزادی بخش ملی وضدامپریالیستی چه آن‌هایی که درکشورهای خود به پیروزی رسیده ودولت‌های ضدامپریالیستی ومردمی به‌وجود آورده‌اند و چه آن‌ها که هنوز برای به دست آوردن آزادی واستقلال نبرد می‌کنند.

این‌جبهه محصول یک نبرد تاریخی بسیار درازمدت نیروهای مردمی، محصول مبارزات نزدیک به دویست سالهٔ طبقهٔ کارگر درسراسر جهان، محصول پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه، محصول پیروزی اتحادشوروی و سایرنیروهای انقلابی خلقی وآزادیخواه علیه فاشیسم آلمان وایتالیاونظامی‌گری ژاپن درجنگ دوم جهانی، محصول دگرگونی‌های سوسیالیستی درنزدیک به بیست کشورجهان در دوران‌پس‌ازجنگ، وسرانجام محصول کامیابی‌های‌عظیم ونبردزندگی ومرگ‌جنبش‌های ضدامپریالیستی واستقلال‌طلب درده‌هاوده‌ها کشور دیگراست. این جبهه محصول عالی تلاش تمام بشریت مترقی دوران ما علیه بیدادگری وغارتگری سرمایه است. تجربه نشان داده است که تنها درچارچوب همبستگی با این جبههٔ جهانی، جنبش‌های راستین و اصیل آزادی‌بخش ملی می‌توانند به آماج‌های استقلال‌طلبانه، آزادی‌خواهانه و عدالت‌پژوهانهٔ خود دست‌یابند و، درست برعکس، بریدن پیوندهای همبستگی با این جبههٔ‌نیرومند جهانی، نخستین گام درجهت افتادن در دام‌های امپریالیسم جهانی است. سرنوشت انقلاب‌های ویتنام، کوبا، لائوس، کامبوچیا، موزامبیک، آنگولا، الجزایر، سوریه، لیبی، یمن‌دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان، هندوستان ودهها کشوردیگر از یک سو، و کشورهای اندونزی، مصر، سودان، سومالی، عراق، مالی و پاکستان ازسوی دیگر، به بهترین وجهی این واقعیت دوران ما رانشان‌می‌دهد.

دشمنان همبستگی با این جبههٔ نیرومند جهانی و آن عناصرناآگاه که‌در دام این دشمنان افتاده‌اند می‌کوشند از راه بازی با واژه‌ها این همبستگی وکمک متقابل برادرانه و برابرحقوق را به عنوان وابستگی جابزنند و توده‌های‌مردم انقلابی را ازحرکت دراین راه بازدارند.

واقعیات انکارناپذیر دوران ما درسراسر جهان نشان می‌دهد که دشمنان سرسخت دوستی و همبستگی با جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی، زیرهرنقابی که ظاهرشوند، بالاخره مانند قطب‌زاده‌ها و بنی‌صدرها ازباتلاق تسلیم‌به‌امپریالیسم سردرمی‌آورند.

دفاع‌ملی

تامین استقلال سیاسی بدون امکانات اطمینان‌بخش برای دفاع ملی میسر نیست. دردنیای کنونی، که نیروهای متجاوز امپریالیستی و رژیم‌های ارتجاعی

برای تثبیت پایه‌های متزلزل‌شدهٔ کاخ‌های فرمانروایی غارتگرانه وجابرانهٔ‌خود ، ازدست یازیدن به هیچ گونه جنایتی روگردان نیستند . سازماندهی یک سیستم نیرومند دفاع ملی ، هم درزمینهٔ دفاع‌نظامی و هم درزمینهٔ امنیتی ، یعنی دفاع دربرابر نفوذ خرابکاران و توطئه‌گران وابسته به دشمن ، از ضرورت‌های درجهٔ اول انقلاب است .

تجاوزنظامی‌رژیم ضدمردمی‌وجنایتکار صدام‌پایان‌تجاوزهای‌نظامی‌امپریالیستی نیست . امپریالیسم‌آمریکا ورژیم‌های‌ارتجاعی‌منطقه‌خودرابرای‌واردآوردن ضربات بعدی به جمهوری‌اسلامی ایران آماده می‌کنند . آمریکا پایگاه‌های نظامی خود را در پیرامون ایران گسترش می‌دهد . درترکیه ، پاکستان ، عربستان سعودی پایگاه‌های نظامی جدید بوجود می‌آید وپایگاه‌های موجود فعال می‌شود . ارتش آمریکا نیروی ضربتی واکنش سریع را برای ورود به عمل آماده می‌کند . و هم‌پیمانان اروپایی او درناتو تعهدات معینی دراین زمینه به عهده می‌گیرند . خلیج فارس عملا درمحاصرهٔ نیروی دریایی و پایگاه‌های نظامی آمریکا قرار دارد .

اسرائیل ، تبهکاری خود را درکشورهای عربی هر روزتشدید می‌کند و رژیم‌های ارتجاعی مصر و سودان و اردن و عربستان وارد بندوبست‌های‌خطرناکی با امپریالیسم‌وصهیونیسم می‌شوند .

بدون تردید جمهوری اسلامی ایران یکی از نخستین وحساس‌ترین آماج‌های نظامی امپریالیسم درخاورمیانه است و برای این که دربرابر توطئه‌های نظامی امپریالیستی بتواند از خود دفاع کند به ارتشی نیرومند ، انقلابی و مردمی نیازدارد . نیروهای مسلح کشور به منظوردفاع دربرابر هرگونه تجاوزی باید هم ازلحاظ کمی وهم‌ازلحاظ کیفی آماده گردند . کیفیت نیروهای مسلح بستگی‌دارد به وفاداری خدشه‌ناپذیر این نیروها درتمام سطوحش به آرمان‌ها و آماج‌های انقلاب ودراختیار گرفتن جنگ‌افزارهای امروزین و کاربرد و آمادگی‌فنی‌ورزمی . باید ترتیبی داد که ارتش ایران بهترین سلاح‌ها را بدون وابستگی وقیدوشرط به دست آورد و از همهٔ امکانات برای خودکفائی ارتش تاحدممکن بهره‌گیری شود .

ولی همان‌طور که تجربهٔ دوسال ونیم انقلاب نشان داده ، شرط اول و اساسی برای ایجاد چنین سیستمی ، پاکسازی دقیق دستگاه‌های دفاعی وامنیتی وانتظامی از عناصر وابسته به دشمن وایجاد سدی برسر راه نفوذ ستون پنجم ساواکی ، سلطنت‌طلب ، مائوئیستی ، لیبرال‌وخرابکاردر این سیستم‌است .

تجربهٔ دوسال ونیم گذشته نشان داد که هشدارهای سازمان‌های مترقی‌در این زمینه تاچه اندازه درست بوده است .

این تجربه ازطرف دیگر به خوبی نشان داد که‌توده‌ای‌ستیزی ، فدائی‌ستیزی وکمونیسم‌ستیزی ، زیرچتر تظاهر افراطی به اسلام ، تنها و تنها جاده‌صاف‌کنی برای نفوذ عناصر ضدانقلاب نظیر کشمیری ، کلاهی ، فخارزاده ، معزی و ده‌ها و ده‌ها افسرکودتاچی از نوع باقری و علوی دردستگاه‌های ارتشی ، پلیس

و امنیتی بوده است. این اصل درآینده هم مسلما به قوت خود باقی خواهد ماند.

هرگونه تلاش برای جلوگیری از شرکت نیروهای راستین انقلاب درامردفاع ملی، خواسته‌یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه، خدمتی است به نیروهای کین‌توز ضدانقلاب. تاریخ آیندهٔ انقلاب ما صحت این حقیقت انکارناپذیر را تایید خواهدکرد و چهرهٔ کریه قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و کشمیری‌های افشاء نشده را از زیرنقاب‌های ریاکاری بیرون خواهدکشید.

درامرسازماندهی دفاع ملی، تقویت همه‌جانبهٔ سپاه پاسداران ـ ازلحاظ آموزش، تجهیزات و تسلیحات امروزین سبک وسنگین، اهمیت فراوانی دارد. باید این سپاه بیش ازپیش نیروگرفته و جای شایستهٔ خود را دردفاع از انقلاب احرازکند.

درامرسازماندهی دفاع ملی، هماهنگی بخش‌های گوناگون نیروهای دفاع ملی از ارتش تا سپاه ضرورت حتمی‌دارد. این هماهنگی باید برمبنای اصول انقلابی‌تحکیم‌شودودرخدمت آماج‌های‌مردمی‌وضدامپریالیستی‌انقلاب قرارگیرد.

استقلال اقتصادی ضامن بی‌چون وچرای استقلال سیاسی است

دراین زمینه نیز انقلاب شکوهمند میهن ما به دستاوردهای گرانبهایی‌رسیده است، که هریک برسلطهٔ بی‌چون وچرای امپریالیستی براقتصاد ما، ضربه‌ای کاری وارد آورده‌است. یکی ازمهمترین این دستاوردها همان کوتاه‌کردن دست غارتگر امپریالیست‌های جهانخوار ازمنابع سرشار نفت ایران است که با لغو کلیهٔ قراردادهای تحمیلی استعماری، به آخرین مرحلهٔ رهایی از تسلط انحصارهای امپریالیستی رسید. ولی علی‌رغم این دستاورد بزرگ ودستاوردهای دیگر، اقتصاد ما هنوز درتارعنکبوت وابستگی به اقتصاد غارتگر امپریالیستی دست‌وپا می‌زند وهنوزباصدها زنجیر به آن بسته است. تجارت خارجی ما، که اکنون وسیع‌ترین وفعال‌ترین بخش اقتصاد کشوراست، به طورعمده و تعیین کننده در دست سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و در وابستگی یک‌جانبه به اقتصاد امپریالیستی است. صنایع مونتاژ، که بخش عمدهٔ صنایع ساخته شده در چارچوب وابستگی به اقتصاد کشورهای امپریالیستی را تشکیل می‌دهد، هنوز دراین چارچوب دست‌وپا می‌زند وآیندهٔ روشنی برای آن دیده نمی‌شود. همان‌طور که سیاست مزورانه و دورویانهٔ امپریالیست‌های‌ژاپنی درموردخودداری از ادامهٔ بخش کوچک پایانی ساختمان مجتمع پتروشیمی نشان می‌دهد، این غارتگران جهانی تنها در شرایط مناسبات دوران آریامهری، یعنی دوران غارت بی‌بندوبار ثروت‌های ملی ما، حاضر به "همکاری" با کشورما هستند. ازهمان روز پیروزی انقلاب ایران، برای کسانی که امپریالیسم را در تمام‌تاروپودش می‌شناختند، روشن‌بود که‌سیاست‌رسیدن‌به‌استقلال اقتصادی‌برای‌ایران‌انقلابی، تنها وتنها ازراه بریدن همهٔ زنجیرهای وابستگی به اقتصاد امپریالیستی وتلاش برای

بهره‌گیری از مناسبات برابر حقوق باکشورهایی که حاضر به برقراری چنین مناسباتی هستند، و در درجه‌ٔ اول با کشورهای جبههٔ عظیم ضدامپریالیستی بدان امکان‌پذیر است. تنها در چارچوب این مناسبات است که کشور ما می‌تواند از نیروهای عظیمی که در اختیار دارد، برای پایه‌ریزی یک اقتصاد خودکفا و متکی به خود، به بهترین نحو استفاده کند. مقایسه نتایج کار مجتمع‌های بزرگ صنعتی ذوب‌آهن اصفهان و پتروشیمی ناتمام و نیز کارخانجات گران‌قیمت فولاد گازی با یکدیگر، بهترین نشانگر راهی است که انقلاب ایران باید برای توسعهٔ صنایع خود، به عنوان پایه‌ای برای پیشرفت اقتصادی کشور، برگزیند. راه رسیدن به استقلال اقتصادی میهن ما از کنار میدان‌های وسیع صنایع ذوب فلزات، ماشین‌سازی و پتروشیمی، که باید هرچه زودتر دست به کار احداث آن‌ها شد، می‌گذرد. و این صنایع را تنها و تنها از راه همکاری برابر حقوق با کشورهای صنعتی سوسیالیستی می‌توان پایه‌گذاری کرد. دشمنان و مخالفان این سمت‌گیری در اقتصاد کشورما، که ضامن اساسی نگهداری استقلال سیاسی به دست آمده است، آگاهانه یا ناآگاهانه، درجهت نابودی استقلال سیاسی و تجدید وابستگی استعماری دوران آریامهری عمل می‌کنند.

درمورد اقتصاد نفت و گاز باید این واقعیت را بالاخره به حساب آورد که امپریالیست‌های جهان‌خوار، به ویژه اکنون که از تجدید سلطهٔ خود برکشورما روزبه روز ناامیدتر می‌شوند، درمورد کشورما، چنانچه درمواضع ضدامپریالیستی وضدصهیونیستی خود پایدار بماند، همان سیاستی را اعمال خواهند کرد که ۲۰ سال است درمورد کوبای انقلابی وچندین سال است درمورد ویتنام انقلابی اعمال می‌کنند، یعنی ادامه وتشدید فشارهای اقتصادی تاحد تحریم خرید نفت ایران. دراین زمینه امپریالیست‌ها ازحمایت دستیاران خوددرعربستان سعودی ودیگر رژیم‌های ارتجاعی کشورهای صادرکنندهٔ نفت، بهره‌گیری می‌کنند. امتناع ۱۳ شرکت ژاپنی از ادامهٔ خرید نفت ایران، که مسلما در رابطه با کارتل غارتگر آمریکایی، انگلیسی ـ هلندی نفت انجام گرفته، حلقه‌ای از زنجیر این اعمال فشار اقتصادی است. ساده‌بینانه است اگرتصور شود که امپریالیست‌های جهانی، باتوجه به امکاناتی که درعربستان سعودی ودیگر کشورهای نفت‌خیز زیر تسلط خود دارند، پیش از انفجار انقلابی در این کشورها به ملت احتیاج به نفت ایران، اجبلری به پذیرش شرایط ایران انقلابی خواهند داشت. دولت ایران باید درزمینهٔ اقتصاد نفت و گاز هرچه زودتر این حقیقت را دریابد که گسترش این بخش بسیارمهم از اقتصاد، هم‌ازجهت تامین بازار فروش نفت وگاز و هم‌ازجهت تامین تکنولوژی و وسایل ضرور برای استخراج و بهره‌برداری صنعتی، تنها درچارچوب همکاری همه‌جانبه باکشورهای جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی وکشورهایی که در راه تامین استقلال اقتصادی خودکوشا هستند، امکان‌پذیراست.

تامین و تضمین استقلال اقتصادی، یعنی رهایی از وابستگی‌های استعماری و نواستعماری، بدون کوتاه‌کردن دست سرمایه‌داری غارتگر داخلی وابسته به

اقتصاد امپریالیستی، از تجارت خارجی و ازبخش تعیین کنندهٔ توزیع کالاهای ضرور در درون کشور و اجرای قاطع اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، امکان‌پذیر نیست. بخش دولتی و تعاونی اقتصاد باید دراین زمینه مواضع مسلط به دست آورند. جامعه تنها از این راه می‌تواند برفعالیت بخش خصوصی نظارت کند و به غارتگری بی‌بندوبار کلان سرمایه‌داران و محتکران و واسطه‌های بزرگ زالوصفت که درطول دوسال ونیم پس از انقلاب، به‌گونه‌ای لجام‌گسیخته، زحمتکشان میهن ما را غارت کرده‌اند، لگام زند.

لزوم پی‌ریزی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی

رسیدن به استقلال اقتصادی بدون پی‌ریزی وسازماندهی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی ودام‌داری، برپایهٔ آخرین دستاوردهای علمی وتجارب اجتماعی کشورهای انقلابی، ممکن نیست.

نخستین گام‌دراین راه پایان بخشیدن به نظام‌جنایت‌بار بزرگ‌مالکی است که هنوز، چون هشت‌پای خون‌آشام، آخرین رمق میلیون‌ها خانوار زحمتکش روستا را می‌مکد و بزرگ‌ترین مانع در راه ورود آزادی در روستا و رشداقتصاد کشاورزی است. تصویب واجرای بی‌خدشه و سریع قانون اصلاحات ارضی برپایهٔ آنچه درشورای‌انقلاب مورد تایید قرارگرفت، راه را برای این دگرگونی بنیادی در روستای ایران هموارمی‌کند. ولی بدون تردید این تنها نخستین گام است.

پی‌ریزی یک اقتصاد کشاورزی که به حد مقدور خودکفا باشد تنها از راه گزینش شیوه‌های آزمایش شده برای افزایش تولید کشاورزی کشورهای کم‌رشد، میسرخواهد بود. برای کشورما، که زحمتکشان روستایش از ابتدایی‌ترین امکانات و وسایل مدرن کشاورزی ودامپروری محرومند، یگانه وسیله برای بازکردن راه رشد اقتصاد کشاورزی، ایجاد تعاونی‌های کشاورزی و دامداری وشرکت داوطلبانهٔ دهقانان، با کمک‌همه‌جانبهٔ دولت، درآن‌ها است. کمک دولت باید به صورت زیرین باشد:

- ایجاد مراکز تحویل وتعمیرماشین‌های کشاورزی وتامین سوخت آن‌ها.
- تامین وتحویل کود ضرور وبذرمرغوب وپرمحصول،
- تاسیس وگسترش و فعال کردن مراکز خدمات کشاورزی و روستایی برای تحویل ماشین‌آلات، تحویل بذروکود، خدمات عمرانی و راهنمایی‌دهقانان،
- واگذاری اعتبارات درازمدت و کم‌بهره،
- فعالیت دامنه‌دار برای تهیهٔ آب، آب‌رسانی، برق رسانی و ساختمان راه‌های روستایی،
- خرید یکجا و با بهاء مناسب مازاد محصولات کشاورزی وقطع دست غارتگر سلف‌خران، واسطه‌هاو محتکران،
- کمک به ایجاد شبکهٔ وسیع تعاونی‌های مصرف برای رفع نیازمندی‌های روزمرهٔ روستائیان

ـ کمک به ایجاد شوراهای ده درکلیهٔ روستاها و دادن اختیارات وامکانات مالی و قانونی به آن‌ها وتبدیل آن‌ها به ارگان‌های فعال وموثر قدرت دولتی‌در روستا.

استقلال فرهنگی

به موازات وابستگی اسارت‌بار سیاسی واقتصادی، رژیم ننگ‌بار پهلوی اسارت فرهنگی میهن‌عزیز ما را ، که خود دارای یکی از غنی‌ترین و باارزش‌ترین فرهنگ‌های جهان است، به فرهنگ درحال انحطاط غرب و به ویژه به "فرهنگ" منحط آمریکایی به بالاترین درجهٔ خود رسانید ، ـ به جائی رسانید که‌گذاشتن نام "عطاری" و یا "داروگری" روی تابلوها ننگ وعار به حساب می‌آمد و "سوپر مارکت" و "دراگ استور" ، که ۹۹ درصد از مردم ایران‌معنای آن را نمی‌فهمیدند و نمی‌فهمند ، نشانهٔ تشخص و اعتبارشد.

کریه‌ترین داغ ننگ برسیاست فرهنگی رژیم وابسته آریامهری واقعیت‌های سوادآموزی است. درکشوری با این همه امکانات اقتصادی ومالی ، که کم‌تر کشور درحال رشد درجهان ازآن برخوردار بوده است، درکشوری با این فرهنگ غنی و اصیل ، کندی پیشرفت ابتدایی‌ترین پایهٔ فرهنگ مترقی، که باسوادکردن توده‌های میلیونی زحمتکشان است، کم‌نظیر بوده‌است. همین بس که درآخرین سال‌فرمانروایی رژیم وابستهٔ سرنگون شده، خود رژیم مجبورشد اعتراف کند که بیش از ۹۴ درصد زنان روستایی از نعمت خواندن ونوشتن محرومند و امکان سوادآموزی نداشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین ومبرم‌ترین وظایفی که انقلاب شکوهمند میهن ما دربرابر حاکمیت انقلابی گذاشت ، همین پاره‌کردن زنجیرهای وابستگی اسارت‌بار فرهنگی به فرهنگ درحال انحطاط غرب وپی‌ریزی یک فرهنگ‌شکوفای ملی بود. **امام‌ـ خمینی** دررهنمودهای خود به مناسبت نهضت سوادآموزی و گسترش شبکهٔ مدارس ومبارزه باغرب زدگی درفرهنگ، اهمیت این نبرد را به مسئولان کشور گوشزد کرده‌اند. گسترش شبکهٔ مدارس ابتدایی در روستاها و شهرها و تصمیم دولت دربارهٔ کمک مالی به هرگروه مردمی که بخواهد مدرسه‌ای بازکند، البته گام‌های قابل تاییدی دراین راه بوده است. ولی این‌ها فقط‌قطره‌هایی است در دریای نیاز سوزان میلیون‌ها مردم به فرهنگ.

کمبودها ، اشتباهات ، خرابکاری‌ها . . . که درهمهٔ زمینه‌ها اثرگذاشته‌است. دراین میدان‌هم به صورت مانع اصلی دربرابر روند پیشرفت درآمد.

به علت تسلط غرب‌زدگان و آمریکازدگان و پیروان خط لیبرالی سازش و تسلیم بردولت موقت و دنباله‌روان آن ، ازیک‌سو ، و عملکرد گروه‌های واپس‌گرا ، که باهرگونه اعتلای فرهنگ مردمی و پیشرو دشمنی می‌ورزند ، ازسوی دیگر ، امکانات بسیارمساعد و بزرگی در دوسال ونیم دوران انقلاب ازدست رفت ، وما امروز دربرابر کوهی از دشواری‌ها بر سر راه توسعهٔ فرهنگ مردمی پیشرو ، قرار

گرفته‌ایم .

دانشگاه‌ها ، که وظیفهٔ تربیت کادر علمی وفنی برای رشته‌های گوناگون اقتصاد ، صنایع ، کشاورزی ، ساختمان ، فرهنگ ، آموزش وپرورش ، سازماندهی کشور وغیره را برعهده دارند ، به جز دانشگاه‌های علوم دینی و گوشه‌ای از دانشکده‌های پزشکی ، درحال تعطیلند . بیش از صدهزارجوان دانشجو ، که در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل بودند ، بیکار و بی‌هیچ دورنمایی برای زندگی ، تشنه آموختن وبه‌کار انداختن آموخته‌های خود در راه اعتلای فرهنگی و اقتصادی میهن ، درحال انتظارند . هرسال ده‌ها هزار دانش آموز ، دبیرستان‌ها را ترک می‌کنند و به این خیل عظیم می‌پیوندند . همهٔ این‌ها درمجموع خود ، زمین حاصلخیزی برای بذرافشانی‌های ضدانقلاب و روپاندن انواع انحرافات سیاسی و اخلاقی فراهم می‌آورد .

ولی به موازات این محرومیت‌ها برای صدها هزارجوان میهن‌ما ، که اکثرشان از وابستگان به اقشار ،میانه وبخشی از فرزندان طبقات محروم‌اند ، برای بیش از یکصدهزارنفر ، که اکثرا از اقشار ثروتمند و حتی از خانواده‌های غارتگران هستند ، در دانشگاه‌های آمریکا ، انگلیس ، آلمان غربی ، فرانسه ، ایتالیا و سایر کشورهای امپریالیستی غرب ، با برخورداری از همه‌گونه تسهیلات ، امکان تحصیل فراهم می‌شود . پذیرش این دعوی دشواراست که گویا در دانشگاه‌های ایران فرزندان خلق ، زیرنظر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران ،غرب‌زدگی پیدا می‌کنند ، ولی فرزندان اقشارمرفه ، باهزینهٔ ماهیانه ۱۰۰۰ دلار و پرداخت هزینهٔ تحصیلی سالیانه درحدود ۵تا ۱۰ هزار دلار برای هرنفر ، در دانشگاه‌های کالیفرنیا و لندن و پاریس ، درست آن‌طور تربیت می‌شوند که‌جمهوری اسلامی ایران‌خواهان آنست !

این نقیض آشکار با هیچ "برهانی" قابل توجیه نیست .

نهضت سوادآموزی ، که درآغاز نیروی عظیمی را باشور و شوق بخود جلب کرد ، به علت تنگ‌نگری وقشری‌گری مسئولان درحقیقت به حال رکود افتاده‌است . تاسف‌انگیز است که هزاران فرد علاقمند و آماده برای خدمت به مردم ، در بسیاری از آنان حتی به هیچ سازمان و سمت‌گیری سیاسی وابستگی ندارند ، تنها به این علت که از پاسخ گوئی به‌پرسش‌هایی که‌بسیاری‌ازطلاب علوم دینی‌نیز از آن عاجزند ازشرکت درپیکار علیه بیسوادی محروم می‌مانند .

ما نمی‌توانیم تردید کنیم که دراین میدان مهم نبرد هم امیرانتظام‌ها ، قطب‌زاده‌ها ، بنی‌صدرها و کشمیری‌ها دست‌اندرکار بوده و هستند ، تا با کمک آگاهانه و یا ناآگاهانه عناصر تنگ‌نگر و قشری و با به کاربردن همان‌شیوه‌هایی که درمیدان فعالیت سیاسی واقتصادی به طورموثر به کاربرده‌اند ، رشد فرهنگ اجتماعی را کند کنند وهرجا بتوانند آن را به بیراهه بکشانند . رشد یک جامعه دردنیای کنونی و آینده ، **بدون رشد همه‌جانبهٔ فرهنگ عمومی** آن ، درزمینه‌های علوم ، **فنون ، ادبیات ، هنر و زمینه‌های دیگر غیرقابل** تصوراست . مسلما می‌توان **با چارچوب‌های پولادین جلو رشد طبیعی و مترقی فرهنگ یک جامعه را**

برای مدت زمان معینی گرفت، ولی چنین سیاستی، بدون هیچ تردید، آینده‌ای نخواهد داشت. اندیشه‌ها، اگردرجهت سیرتکاملی تاریخ بشری باشند علی‌رغم تمام تلاش‌های واپس‌گرایانه زنده می‌مانند و رشد می‌کنند. سیرتاریخ اسلام انقلابی و مردمی ونیز سیرتاریخ مارکسیسم، یعنی اندیشهٔ انقلابی دوران معاصر ما، نمونه‌های برجستهٔ این حکم تخطی‌ناپذیر تاریخند.

برپایهٔ این اعتقادات است که حزب تودهٔ ایران وسازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ازحاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند که اجازه ندهند تحریکات عوامل دشمن انقلاب از یکسو، و عملکرد عناصر ناآگاه و خودمحور و تنگ‌نگر و واپس‌گرا از سوی دیگر، جریان عظیم و سرنوشت‌ساز انقلاب فرهنگی را از سمت‌گیری اصیل خود منحرف سازند. هدف این سمت‌گیری نمی‌تواند چیزی جز پاره کردن زنجیرهای اسارت غرب‌زدگی و انحطاط‌ار دست وپای فرهنگ ملی ما و بازکردن راه پیشرفت همه‌جانبه و آزاد فرهنگ مردمی مترقی، با بهره‌گیری از همهٔ ارزش‌های فرهنگی مترقی ومردمی جهان پیرامون ما، باشد.

ب.آزادی

یکی از سه شعار اصلی انقلاب شکوهمند میهن ما "آزادی" است. میلیون‌ها مردم زحمتکش ایران که از استبداد سیاه سلطنتی خاندان پهلوی وسایرعمال امپریالیسم به جان آمده بودند، برای آن به حرکت آمده وقیام کردند که آن نظام ننگین خودکامه را براندازند و نظامی برخاسته از آزادی و مدافع آزادی برقرارکنند.

پس ازپیروزی انقلاب، طبقات بهره‌کش و گروه‌های سیاسی بیانگرمنافع این طبقات کوشیدند تا شعار آزادی را نه آنچنان که تودهٔ مردم می‌خواستند، بلکه آنچنان که منافع تنگ طبقاتی آن‌ها ایجاب می‌کند تعبیر واجرا کنند: سازشکاران وتسلیم‌طلبان لیبرال کلمهٔ آزادی را برای فریب مردم به کاربرده و به معنای آزادی منحرف‌کردن جمهوری اسلامی ایران به سوی سازش با امپریالیسم‌جهانی گرفتند و سرمایه‌داران غارتگر به معنای آزادی انباشت و کاربرد آزاد سرمایه و آزادی بهره‌کشی از کارگران وزحمتکشان وآزادی غارت بی‌بندوبار تلقی کردند، تنگ‌نگران و خودمحوران آزادی رافقط برای خود به قصد سرکوب "دگراندیشان" و تحمیل نظرخود طلب نمودند.

تنها نیروهای راستین انقلاب، چه‌درصفوف مبارزان مسلمان و چه درصفوف پیروان راستین سوسیالیسم علمی، شعار آزادی رابه معنای واقعی که تودهٔ مردم می‌خواستند و می‌خواهند درک کرده وبرای استقرار آن رزمیدند. این نیروهای انقلابی راستین که با تمام نیرو از ابعاد استقلال‌طلبانه، آزادمنشانه و عدالت‌خواهانهٔ خط امام‌خمینی پشتیبانی می‌کنند، آزادی را برای توده‌های ده‌ها میلیونی کوخ نشینان، محرومان، مستضعفان، و یا با کلامی دیگر، برای

زحمتکشان شهرو روستا، می‌خواهند. آن آزادی که ما پویندگان راه توده‌های محروم برایش مبارزه می‌کنیم، ازنوعی است که توده‌های زحمتکش میهن ما، بویژه در دوران استبداد سیاه آریامهری، از آن محروم بوده‌اند، یعنی آزاد شدن از غارتگری چپاولگران، آزادشدن از یوغ اسارت سیاسی وفرهنگی نظام استبدادی وابسته به استعمارنو، آزادی ازترس و دلهرهٔ دائمی به مناسبت‌داشتن این یا آن اندیشهٔ اجتماعی، آزادی ازبردگی وبندگی، آزادی از گرسنگی، رهائی از بیماری‌ها، آزادی از بی‌خانگی، آزادی از بی‌فرهنگی، آزادی ازستم و محرومیت‌های ملی.

ما با اعتقاد راسخ به حقانیت توده‌های زحمتکش، که ایجادگران همهٔ ارزش‌های واقعی جامعه هستند، برآنیم که تامین آزادی‌های واقعی برای این توده‌های ده‌ها میلیونی، خواه ناخواه با محدودیت‌هایی برای "آزادی" مورد خواست طبقاتی که موجودیتشان برپایهٔ محرومیت این توده‌ها استوار است، توام خواهد بود. بدون کوتاه کردن دست غارتگران از غارت وچپاول نمی‌توان توده‌ها را ازغارت‌شدن آزاد کرد.

بدین سان، مبارزه در راه تامین آزادی برای توده‌های ده‌ها میلیونی، جبرا با سرکوب آشتی‌ناپذیر ضدانقلاب، باقطع همهٔ ریشه‌های سیاسی واقتصادی و فرهنگی تسلط غارتگران خارجی، یعنی امپریالیسم جهانی، با لجام‌زدن به همه خودمحوران و تنگ‌نگران و قشری‌گرایان، که برای سایرانقلابیون‌حقی‌قائل‌نیستند و می‌کوشند تا زورمداری را جانشین آزادی برای توده‌ها سازند، همراه‌خواهدبود.

درقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران‌اصول ارزنده وبسیارمهمی درزمینهٔ تضمین آزادی‌های فردی واجتماعی تثبیت شده است. امام‌خمینی، رهبرانقلاب و بنیانگذارجمهوری اسلامی ایران، هم بارها و بارها ضرورت و اهمیت رعایت این آزادی‌ها را برای همهٔ کسانی که قصد توطئه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را نداشته باشند، تاکید کرده‌اند.

ولی باکمال تاسف جریان اوضاع درکشورما بخش بزرگی از نکات تصریح شده درقانون اساسی را در زمینهٔ آزادی‌های فردی واجتماعی، به حال تعطیل درآورده است. بخش قابل توجهی از نیروهای راستین انقلاب، که‌با تمام‌نیروی خود درمبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان، در مبارزه برای درهم‌کوبیدن توطئه‌های رنگارنگ دشمنان انقلاب به سرکردگی آمریکا، در مبارزه برای اتحاد همهٔ نیروهای راستین هوادار انقلاب گام برداشته و برمی‌دارند، ازبسیاری از آزادی‌های قانونی محرومند. افراد غیرمسئول، با دستیاری گروه‌های‌غیرقانونی اعمال‌فشار، دفاتر احزاب و گروه‌های سیاسی را غارت می‌کنند، از فعالیت آنان جلوگیری می‌کنند، به کتابفروشی‌ها هجوم می‌برند، کتابسوزان راه می‌اندازند و از این راه، جو ترس و وحشت را جایگزین آزادی تصریح‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌کنند.

با بهره‌گیری از همین جو ناسالم است که عناصر وابسته به ضدانقلاب و نیروهای براندازی، با گذاشتن نقاب ریا و تزویر و داشتن ریش و تسبیح، مانند

کشمیری‌ها و کلاهی‌ها و فخارزاده‌ها، نه تنها در نهادهای انقلابی و دستگاه دولتی، بلکه دررسانه‌های‌گروهی‌وبرخی‌نشریات منتسب به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز، خود را جا زده‌اند و با آزادی کامل در سم‌پاشی‌و نفاق‌افکنی جبهه پایداری نیروهای انقلابی راستین را در برابر ضدانقلاب ناتوان می‌کنند. کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، مانند دهقانان، آموزگاران‌و پرستاران و غیره، از تشکیل سازمان‌های صنفی، که بعنوان حق مسلم آنان در قانون اساسی ثبت‌شده‌است، محرومند، ولی در عوض کلان سرمایه‌داران و واسطه‌ها با آزادی کم‌نظیری به غارت وحشیانه ثروت‌های ملی و محصول کار زحمتکشان مشغولند. گروه‌های فشار، نظیر گروه "حجتیه" در سراسر کشور، و گروه "شیت" در غرب کشور و نظایر آن‌ها در دیگر نقاط، با تظاهر افراطی به مذهب، همه‌جا مردم را از ابتدائی‌ترین آزادی‌هایی که،نه به جامعه و نه به هیچ فردی صدمه می‌زند، محروم می‌سازند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مسئولیت پیدایش این وضع را، که بصورت یکی از سرچشمه‌های جدی تهدید برای روند تثبیت و تحکیم انقلاب درآمده‌است، در درجه اول متوجه طیف پهناور جبهه متحد ضدـ انقلاب و پس از آن متوجه عناصر و گروه‌های افراطی راست‌در حاکمیت و یا در کنار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و عناصر و گروه‌های افراطی"چپ"در جامعه، می‌دانند.

جبهه متحد ضدانقلاب بزرگترین دشمن گسترش آزادی‌های مردمی و توده‌ای در جامعه انقلابی ما است. این جبهه در عین اینکه فریادهای طرفداری از آزادی‌اش گوش همه را کر کرده، درواقع خواهان آزادی برای فعالیت ضدانقلاب، یعنی فعالیت آزاد برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است." آزادی" مورد علاقه ساواکی‌ها، بختیار، اویسی، لیبرال‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها از این قماش است. آنها خواهان "آزادی" برای تدارک کودتای نوژه، "آزادی" برای خرابکاری در موسسات اقتصادی، "آزادی" برای سازش با امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و ژاپن، "آزادی" برای همکاری با حکومت‌های مرتجع و وابسته منطقه و بالاخره "آزادی" برای سرکوب نیروهای راستین ضدامپریالیستی و مردمی ــ اعم از پیروان خط‌امام خمینی‌ویا پیروان‌سوسیالیسم علمی، هستند.

جبهه متحد ضدانقلاب از این تاکتیک‌مزورانه خود، یعنی فریادکشیدن برای "آزادی" از یکسو و تلاش برای ایجاد محیط عدم ثبات، با توسل به همه اقدامات جنایتکارانه ــ از ترور مسئولان گرفته تا آتشزدن خرمن‌ها، تخریب کارخانه‌ها، فلج‌کردن اقتصاد کشور، ترویج گرانی، بی‌اعتمادی و غیره ــ از سوی دیگر، دو هدف را دنبال می‌کند: نخست اینکه، با این اقدامات آنقدر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را ناتوان کند، تا بتواند آن را براندازد و راه را برای به قدرت رسیدن "دولت میانه‌رو"ی باب‌طبع آمریکا هموار سازد، دوم اینکه اگر فعلا این هدف دسترس‌پذیر نباشد، ازراه کشتار مسئولان واقع‌بین، راه را برای به قدرت‌رسیدن جناح راست افراطی در حاکمیت، هموار کند. جبهه متحد ضدـ

انقلاب امیدوار است که اقدامات این جناح راست افراطی، با سرعت و شدت مردم را ناراضی کند و بطور غیرمستقیم محیط را برای توطئه‌های دشمنان جمهوری اسلامی ایران آماده سازد.

رهبری" سازمان مجاهدین خلق " و دیگر گروه‌های چپ‌رو، که روزگاری از آزادی برای توده‌های مردم، آزادی برای پاره‌کردن بندهای اسارت ملی و طبقاتی دم می‌زدند، به این خیل ننگین "آزادیخواهان" ، که در حقیقت گورکنان آزادی هستند، پیوسته و پیروان گمراه‌شده خویش را به ابزار توطئه‌های خائنان‌برانداز ضدانقلابی جبهه متحد ضدانقلاب مبدل کرده‌است. نتیجه عملی فعالیت این نیرو همین است که امروز شاهدش هستیم. هرهفته، در خیابان‌های شهرهای ایران و در زندان‌ها، ده‌ها و گاه صدها جوان بانیت آزادی، استقلال‌وعدالت اجتماعی، از میان گمراه‌شده‌گان کشته می‌شوند و چندین نفر از مبارزان راستین راه انقلاب ترور می‌شوند. ساواکی‌ها و ضدانقلابیون حرفه‌ای و سلطنت‌طلبان و لیبرال‌ها و ستون‌پنجم مائوئیستی آمریکا در کنار این معرکه خون‌آلود پایکوبی می‌کنند. هم‌اکنون از یکسو صدها نفر از مسئولان درجه اول جمهوری و بسیاری از مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده‌اند. و از سوی دیگربیش از یک هزار و پانصد نفر اعدام شده‌اند.

ما بار دیگرتاکید می‌کنیم که بسود انقلاب و جمهوری اسلامی است که حساب رهبران را از هواداران نوجوان گمراه جدا کنند. خلق حق دارد و باید دشمنان سوگندخورده انقلاب، خائنین به خلق و گریختگان به آغوش امپریالیسم را بدون کوچکترین مماشات سرکوب کند. در عین حال باید با اتخاذ سیاست ارشادی شرایطی فراهم آورد که نوجوانان و گمراهانی که خود عامل اصلی راهی که رفته‌اند نیستند، به آغوش انقلاب بازگردند. ضرورت کاملا مبرم انقلاب آنست که از اعدام‌های عجولانه و ناسنجیده مطلقا" اجتناب شود و موازین حقوقی و قانونی در مورد متهمین مراعات گردد. احکام اعدام کسانی که به اشتباه خودپی‌می‌برند و برای دفاع از مردم و انقلاب و شرکت در پیکار ضدامپریالیستی اعلام آمادگی می‌کنند معوق بماند تا در زندان به آنان فرصت داده‌شود که‌پیرامون‌راهی‌که رفته‌اند و وظایفی که در پیش دارند بیشتر بیاندیشند و صداقت خود را عملا به اثبات رسانند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطمینان دارند که پایبندی مقامات انتظامی و قضائی به اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب درباره آزادی فعالیت احزاب و گروه‌هایی که قانون اساسی را محترم می‌شمارند گام سیاسی بسیار مهمی است در جهت بازگردانیدن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه.

ما اطمینان داریم که چنین گام مهم سیاسی، بخش بزرگی ازگمراهان را از خیانتکاران اصلاح‌ناپذیر و همچنین از ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و جنایتکاران حرفه‌ای جدا خواهد ساخت‌وگمراهان‌را، بدون‌ترس و وحشت از مرگ، بدون توسل به دروغ و ئیرنگ، صادقانه به زندگی مفید سیاسی و اجتماعی بازخواهدگرداند.

اطمینان داشته‌باشیم که سطح تکامل جامعه ایران و درجه بلوغ فکری‌نیروهای انقلاب در پیوند با اهداف و شعارهای اساسی انقلاب تنوع‌و چندگانگی عقاید و افکار نیروهای مدافع انقلاب را گریزناپذیر ساخته‌است. این تصور که هم می‌توان انقلاب را حفظ کرد و عمیق‌تر کرد و هم حق دفاع از آن را از بخش مهمی از نیروهای انقلابی سلب نمود، اشتباه بزرگی است و تلاش در پیاده‌کردن چنین برداشتی عملا به‌زیان انقلاب و بسود دشمنان آن تمام خواهدشد.

تاریخ جامعه بشری از بردگی تا امروز نشان داده‌است که نه با ترور و کشتار و نه با اعدام و زندان، هر اندازه هم پردامنه باشد نمی‌توان اعتقاداتی را که در مغزها جای گرفته‌اند، نابودکرد. افکاری که در مغزها جای گرفته‌اند اگر نادرست باشند، تنها از راه ارشاد و اقناع جای خود را به افکار و اعتقادات درست می‌دهند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آن‌عده از "مجاهدین خلق" و "چریک‌های اقلیت" و نظائرشان را، که هنوز صادقانه هوادار آماج‌های ضدامپریالیستی، آزادیخواهانه و مردمی انقلاب میهن ما هستند، مخاطب قرار می‌دهند و با یادآوری مسئولیت سنگین تاریخی کمبر دوش دارند، از آنها می‌طلبند که بدون درنگ، با پندگرفتن از گام جسورانه همرزمشان سعادتی، تمام نیروی خود را برای خنثی‌کردن خیانت رهبران خود و پایان بخشیدن به‌این‌فجایع به‌کاراندازند.

به‌نظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سود ادامه این برخوردها تنها و تنها به کیسه ارتجاع و ضدانقلاب داخلی‌و امپریالیست‌های خونخوار حامی آنان سرازیر می‌شود و زیان‌های جبران‌ناپذیر آن، مانند آواری به‌سر محرومان، زنان و مردان آزاده جامعه ما فرو خواهدریخت.

اشاعه ترور ضدانقلابی یک نقشه شوم امپریالیستی برای تضعیف نیروهای ضدامپریالیستی است، مجری این نقشه پلید نشوید. رجوی‌ها و خیابانی‌ها با محافل ارتجاعی و عناصر طرفدار سرمایه‌دارها و فئودال‌ها ساخته‌اند، آنها به انقلاب و به خلق ما خیانت کرده‌اند، آنها را از خود برانید. بدانید که این جمهوری با وجود همه نارسائی‌ها و کمبودهایش در تمام دوران موجودیتش و بویژه در ماه‌های اخیر ضربات دردناکی بر امپریالیسم وارد آورده‌است.

ارزیابی‌های نادرست را ازفکرخود بیرون کنید، تبلیغات امپریالیستی را باور نکنید که می‌گویند رژیم در حال سقوط است. حصار فکری را که سازمان‌هایتان با تحریم همه رسانه‌های گروهی ضدامپریالیستی بدور ذهن شما کشیده‌اند، بشکنید حرف‌های سعادتی را یکبار دیگر بخوانید. همه سخنان را بشنوید و نیکوترین آنها را برگزینید. ارزیابی‌ها و نظرات خود را بر نارسائی‌ها و کمبودها و اشتباهات بخشی از حاکمیت استوار نکنید. ضدیت با امپریالیسم و تلاش برای لجام‌زدن به غارتگری بزرگ‌مالکان و کلان‌سرمایه‌داران‌رامبداء قرار دهید. امپریالیست‌ها و مرتجعین همگی خط مشی مجاهدین را می‌ستایند و از رجوی حمایت می‌کنند. تمام کشورهای مترقی و انقلابی از جمهوری اسلامی ایران در

برابر توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیستی حمایت می‌کنند.

تجربه تمام جنبش‌های انقلابی نشان میدهد که ادامه دشمنی با نیروهائی که با امپریالیسم می‌ستیزند، بلااستثناء و بدون‌تردید به‌همدستی با امپریالیست‌ها کشیده می‌شود و هر چه آن دشمنی کینه‌توزانه‌تر باشد این همدستی ناگزیرتر و در عین حال مخلصانه‌تر خواهدشد. آیا سرنوشت غمبار مائو و دارودسته‌اش هنوز هم برای شما درس عبرت نیست؟

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای همه مبارزان راستین راه‌انقلاب ایران غلبه بر اشتباهات و خودمحوری‌ها را آرزو می‌کنند و آنان را فرا می‌خوانند که باتمام نیرو در بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی تلاش کنند و با این‌تلاش راه را برای اتحاد هرچه وسیع‌تر نیروهای خلق، نیروهای هوادار انقلاب هموار سازند. ما آرزو می‌کنیم شرایطی فراهم آید که همه نیروهای‌ضدامپریالیستی بجای آنکه بروی یکدیگر سلاح بکشند و برای قتل یکدیگر تصمیم بگیرند، توان آنرا بیابند که مسایل خود را با یکدیگر از طریق انتقاد خلاق حل‌کنند و جبهه خلق را متحدتر سازند، ما برای فراهم آوردن چنین فضائی از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه نیروهای راستین انقلاب را مخاطب‌قرار می‌دهند و از آنها می‌طلبند تا تمام نیروی خود را برای پایان‌بخشیدن به این فجایع خونین که بدون‌تردید از طرف دشمنان انقلاب ایران به‌سرکردگی آمریکا به جامعه رنجدیده میهن ما تحمیل شده‌است، بکار اندازند.

به‌نظر ما تنها و یگانه راه چیره‌شدن بر این وضع دردناک بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی به‌جامعه است.

ما یکباردیگر پیشنهادهای خود را تکرار می‌کنیم و امیدواریم که موردتوجه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

ما پیشنهاد می‌کنیم صدور حکم اعدام از طرف دادگاه‌های انقلاب برای کلیه اعضاء و هواداران سازمان‌های چپ‌رو، که مستقیما در عملیات مسلحانه و خرابکاری‌های انجام‌شده دخالت و مشارکت نداشته‌اند، متوقف گردد و از سوی دادستان کل انقلاب به این گونه افراد اطمینان داده‌شود که در آینده هم، در صورت عدم شرکت در جنایات یادآوری شده، محکوم به اعدام نخواهند شد، و در صورت فاصله‌گرفتن از اقدامات تروریستی و عملیات خرابکاری و محکوم کردن آن، می‌توانند در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت سیاسی قانونی بپردازند.

ج. عدالت اجتماعی

انقلاب ایران رژیمی را سرنگون کرد که در نوع خود در جهان کم‌نظیر بود.

بنیاد نظام آریامهری را حاکمیت بی‌بندوبار و غارتگرانه اتحاد شوم و جنایت‌بار امپریالیست‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی با کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، به سرکردگی خاندان فاسد پهلوی، تشکیل می‌داد. در جامعه‌آریامهری دره میان زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان شهر و روستا و اقشار ممتاز جامعه و کارگزاران و دستیارانشان چنان ژرف بود که در سراسر جهان به زحمت می‌شد نظیری برای آن یافت. درآمد ماهیانه یک آموزگار و یا یک‌کارگر ساده حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان بود، درحالی که درآمد یک سرمایه‌دار کلان بازار از سالی صدها میلیون تومان تجاوز می‌کرد.

سطح درآمد روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین از این هم پائین‌تر بود. طبق آمارهای دقیق، میانگین درآمد ماهیانه خانوارهای کم‌درآمد روستایی حدود ۵۰۰ تومان در ماه بود، و آن هم در وضعی که تنها درآمد خالص سالیانه نفت نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار شده‌بود و این ثروت عظیم را انحصارهای امپریالیستی تولید کننده جنگ‌افزار و اتومبیل و اشیاء لوکس و وسائل مصرفی، با همدستی خاندان پهلوی و کلان سرمایه‌داران ایرانی وساواکی‌های محافظ آنها و فرماندهان ارتش و دیگر نیروهای مسلح و ماموران بلندپایه دولت آریامهری، به تناسب مقام بین خود تقسیم می‌کردند.

انقلاب شکوهمند میهن ما این نظام را سرنگون ساخت. توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا، که این انقلاب را به پیروزی رساندند، انجام دگرگونی‌های بنیادی را در جهت تامین عدالت اجتماعی، یعنی پایان بخشیدن به غارت غارتگران و انگل‌ها و به‌کار انداختن ثروت‌های ملی و محصول کار مردم برای بالابردن رفاه عمومی، بهداشت عمومی و آموزش عمومی، به عنوان یکی از ۳ آماج اصلی انقلاب و ۳ وظیفه درجه اول حاکمیت انقلابی، خواستار شدند.

اکنون پس از گذشت دوسال و نیم از انقلاب، با قاطعیت می‌توان اعلام کرد: علیرغم کامیابی‌های چشمگیری که درجهت محدودساختن غارتگری کلان چپاولگران امپریالیستی و خودی انجام گرفته، در زمینه بهبود شرایط زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان گام موثر و دگرگون‌کننده‌ای برداشته نشده است. کاملا درست بود که شهید رجائی به این محرومان می‌گفت:

"شما هم باید فریاد بزنید: رجائی! مستضعفین هیچ چیز گیرشان نیامده."

"ما نگران آن بخش عظیم ازاسلام هستیم که باید پیاده شود. ما نگران آن هستیم که نتوانسته‌ایم مستضعفین ایران را هنوز سیرشان برسیم. هنوز نتوانسته‌ایم بر متمولینی که نماز می‌خوانند بگوئیم که‌نماز شرایطی دارد که تو در این وضع آن شرایط را نداری"

از روزنامه جمهوری اسلامی
۲۳ شهریور ۱۳۶۰

این اعتراف صادقانه را با گزارش مهندس سحابی، رئیس کمسیون بودجه و

سازمان برنامه مجلس شورای اسلامی (۱۷ فروردین ۱۳۶۰) در مجلس، کنار هم بگذاریم :

"بخش خصوصی بدون استثناء سود برده‌است. به اعتراف خودشان در بخش تجارت ... به خود بنده گفتند سودی را که در این دوساله بخش تجارت برده‌است، در تاریخ ایران نظیر نداشته‌است.

پارچه به ۳ برابر قیمت تمام شده به مصرف‌کننده فروخته شده‌است. سال‌گذشته ۱۱ میلیارد دلار اعتبار به بخش خصوصی داده‌شده‌است و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده‌است. در بخش کارخانجات خصوصی نیز سودهای کلانی برده‌اند. برای مثال کارخانجات نساجی چه کار کرده‌اند. متقال هرینده تمام شده‌اش، باتمام افزایشی که درنرخ پنبه هست، حدود متری ۶۵ ریال می‌شود. لیکن تمام کارخانجات نساجی متقال را به متری ۱۷۰ ریال به بنکدارها فروختندو آنها نیز به مصرف‌کننده تا متری ۲۳۰ ریال. یک سازمان به نام سازمان اقتصاد اسلامی که این اسم را رویش گذاشته الیاف مصنوعی را کیلویی ۶۵ ریال وارد می‌کند و در بازارکیلوئی ۱۸۰ ریال عرضه می‌کند".

پیامد این غارتگری بی‌بندوبار، گرانی سرسام‌آوریست که مانند کابوس بر گردهٔ دهها میلیون زحمتکش کم‌درآمد جامعه ما فشار می‌آورد و این فشار هر روز سنگین‌تر و طاقت‌فرساتر می‌شود.

اقدامات جداگانه دولت در زمینه مبارزه با این پدیده دردآور، در عین اینکه درست و موردپشتیبانی است، ولی قطره‌ای است در دریا و همینطور است مسئله مسکن، مسئله بهداشت ...

علی‌رغم خدمات گرانبهایی که برخی نهادهای انقلابی، مانند جهاد سازندگی، در جهت کمکرسانی به عقب‌افتاده‌ترین بخش جامعه‌ما، یعنی‌روستاها انجام داده و می‌دهند، هنوز بزرگ‌مالکان و خان‌ها اختاپوت‌وار بر اکثر روستاهای ایران چنگ انداخته، بر حیات روستا حکومت می‌کنند و با جاافتادن عناصر وابسته به خود در برخی نهادهای انقلابی، از رسیدن نسیم انقلاب اجتماعی به روستا جلوگیری می‌کنند.

چنین است گوشه‌هایی از آنچه که در دوسال و نیم‌گذشته در زمینه تامین عدالت اجتماعی انجام نگرفته، و یا بهتر بگوییم، هنوز دست نخورده مانده است. حاکمیت نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری بصورت دولت موقت و بازرگان‌ها و ایزدی‌ها و صدرها و صباغیان‌ها و پس از آن بنی‌صدرها و نوبری‌ها بر سیاست اقتصادی ایران، شرایط را نه تنها برای ادامه غارتگری زالوهای خون‌آشام اجتماعی، بلکه برای تشدید بی‌بندوبار این غارتگری آماده می‌ساخت. غارتگران

اجتماعی، یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، با بهره‌گیری از دشواری‌های ناشی از فشار اقتصادی و نظامی حامیان امپریالیستی‌شان و با حمایت روحانیت وابسته به طبقات غارتگر، با چنگ و دندان از هرگونه اقدام قاطع در زمینه تامین عدالت اجتماعی جلوگیری می‌کنند.

علیرغم اینکه مردم انقلابی ایران بسیاری از خواست‌های خود را در زمینه تامین عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت کردند، در راه اجرای این مواد بسیار مهم از قانون اساسی ـ اصول ۴۴ ـ ۴۹ ـ و ایجاد شرایط لازم برای پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان ... هنوز گامی برداشته نشده‌است.

بنظر ما سرنوشت انقلاب شکوهمند میهن ما در گرو این تحول سرنوشت‌ساز انقلاب است. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باید برای درهم‌شکستن همه توطئه‌های جبهه متحد ضدانقلاب، که می‌کوشد توده‌های میلیونی زحمتکشان را از انقلاب ناامید سازد، به این خواست برحق محرومان، یعنی پیاده‌کردن اصول قانون‌اساسی در زمینه تامین عدالت اجتماعی، جامه عمل بپوشاند.

باید با خارج‌ساختن شریان‌های اقتصادی از دست غارتگران سرمایه‌دار، و سپردن آن به بخش دولتی و تعاونی‌های واقعی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، یعنی با تقویت همه جانبه بخش دولتی و تعاونی و محدودساختن و کنترل دقیق بخش خصوصی، نظام اقتصادی آریامهری را از بنیاد دگرگون ساخت.

همان‌گونه که تجربه نشان داده‌است، با شلاق‌زدن و جریمه‌گرفتن و یک ماه تبعیدکردن کاری از پیش نمی‌رود، و نیز ارشاد و تحریک بشردوستی و نوع‌پروری هم در سرمایه‌دار زالوصفت تاثیری ندارد. او به این ارشاد می‌خندد، شلاق را می‌خورد، جریمه را می‌پردازد، ولی از همان فردا و یا حداکثر پس از بازگشت از یک ماه استراحت اجباری، نه تنها چند برابر جریمه‌های پرداخت‌شده، بلکه چندین برابر "حق‌الدرد" شلاق‌ها را هم از جیب مصرف‌کنندگان بیرون‌می‌کشد.

یگانه راه، برقراری یک سیستم دولتی و تعاونی، تدارک و توزیع کالاهای ضرور و محدود نگاه‌داشتن بخش خصوصی در چارچوب مقررات بخش دولتی و تعاونی است. این تنها شیوه‌ای است که در ده‌ها و ده‌ها کشور دیگر، که در وضعی نظیر کشور ما بوده‌اند، موفقیت داشته‌است.

باید با برقراری هرچه سریع‌تر و ریشه‌دارتر یک سیستم مالیاتی مستقیم بر درآمدها، امکان تراکم بی‌بندوبار ثروت و سرمایه را از زالوها گرفت.

باید اصل ۴۹ قانون اساسی را همه‌جانبه و قاطع به اجرا درآورد و ثروت بی‌سابقه‌ای را که در دست غارتگران گرد آمده، از آنان بازستاند و از راه واریز آنها به صندوق دولت و صرف آنها در جهت تامین خواست‌های حیاتی مردم زحمتکش، به صاحبان اصلی‌اش رسانید.

باید آنچه را که شهید دکتر باهنر هنگام تقدیم برنامه دولت خود به مجلس در زمینه لزوم اجرای مواد قانون اساسی در مورد تعیین حدود مالکیت مشروع و عادلانه بیان داشت، هرچه زودتر عملی ساخت.

باید مسئله تامین مسکن را جدی‌گرفت و با برنامه‌های فوری و درازمدت ، گام اساسی در این راه برداشت. همین‌طور است مسئله تامین بهداشت عمومی برای محرومان ، که باکمال تاسف در قیاس با روزهای نخستین پیروزی انقلاب ، نه تنها هنوز هیچگونه بهبود محسوس پیدا نکرده ، بلکه بطور محسوس بدتر شده است. فداکاری و گذشت قابل‌ستایش گروهی از پزشکان و کارکنان متعهد به انقلاب در بخش درمان و بهداشت نتوانسته و نمی‌تواند بر دشواری‌های ناشی از عقب‌افتادگی دهشت‌آور در این زمینه ، چیره شود.

اختیاراتی که **امام‌خمینی** در پاسخ نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به مورخ ۱۳۶۰/۷/۱۹ به نمایندگان مجلس داده ، امکانات فراوانی برای اتخاذ تصمیمات قانونی در جهت تامین عدالت اجتماعی فراهم کرده‌است . با این‌پاسخ امام ، دشواری‌های شبه‌قانونی که در برابر اجرای تمام و کمال اصول یادشده قانون اساسی ، انجام تحول بنیادی در عرصه اجتماعی و تامین خواست‌های زحمتکشان وجود داشته ، از میان برداشته شده‌است. اینک بعهده مجلس شورای اسلامی است که از این اختیارات به بهترین وجه بهره گیرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از هرگام مثبتی که در این سمت برداشته شود پشتیبانی خواهندکرد.

عدالت اجتماعی در زمینهٔ حقوق زنان

زنان میهن ما و بویژه زنان طبقات محروم جامعه سهم بسیار بزرگی در پیروزی انقلاب و در روند تثبیت و تحکیم آن داشته و دارند. **امام‌خمینی** رهبر انقلاب بارها اهمیت مبارزه زنان برای تحقق آرمان‌های انقلاب را یادآوری کرده‌اند. زنان جامعه ، علاوه بر همه محرومیت‌های اجتماعی‌که گریبانگیر همه زحمتکشان میهن ما از زن ومرد است بار محرومیت‌های اضافی دیگری را نیز بعنوان "زن" در جامعه بر دوش دارند و در بسیاری از زمینه‌های حقوقی و خانوادگی و کار بعنوان افراد "درجه دوم" زیر فشار آداب و رسوم کهنه و قوانین و مقررات گوناگون که نافی اصل برابری حقوق زنان‌با مردان در زندگی اجتماعی هستند قرار دارند که دست‌وپای آنان را برای شرکت فعال در همه زمینه‌های کار سازندگی جامعه به زنجیر کشیده‌اند.

زنان نیمی از ملت ما را تشکیل می‌دهند و بدون شرکت فعال آنان درسازندگی جامعه نوین پیشرفت اجتماعی بسیار کند خواهدبود.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواستار آنند که دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به سمتگیری عدالت پژوهانه قانون اساسی همه امکانات لازم را فراهم آورد برای آنکه زنان جامعه ما بتوانند در همه زمینه‌های فعالیت اجتماعی ــ در میدان کار و فعالیت‌های سازندگی ، در کار تربیت کودکان و تبدیل خانواده به کانون محبت‌و احترام متقابل از همه حقوق منکی بر عدالت اجتماعی برخوردار گردند.

عدالت اجتماعی و حقوق ملی خلق‌های غیرفارس

کشور ما کشوری است کثیرالمله که در آن از صدهاسال به این سو خلق‌های فارس، آذربایجانی، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب دریک اتحاد برادرانه و برای آماج‌های مشترک اجتماعی و انسانی درجهت بدست‌آوردن آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و ساختن میهن واحدشان در تلاشند. ولی علیرغم این تلاش مشترک در دوران سلطه نظام جابرانه طبقات غارتگر وابسته به امپریالیسم خلق‌های غیرفارس جامعه ما علاوه بر بار محرومیت‌های ناشی از سلطه استعمار و استعمارنو و غارتگری جنایت‌بار طبقات حاکمه بار سنگین محرومیت‌های ملی را بدوش کشیده‌اند و از هرگونه حقوق ملی و زمینه فرهنگی وخودگردانی محروم بوده‌اند.

محرومیت‌های ملی صرفنظر از اینکه در دروان‌های معینی امپریالیسم و ارتجاع داخلی توانسته‌اند این محرومیت‌ها را پایه‌ای برای تحریکات خود قرار دهند یک واقعیت عینی جامعه ماست.

پیام تاریخی امام خمینی به خلق کرد نمایانگر شناخت واقعی این محرومیت و لزوم پایان‌بخشیدن به آنست.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این عقیده‌اند که تنها با برانداختن ستم ملی که قرنهاست برخلق‌های غیرفارس اعمال شده است و تامین حقوق تضییع شده آنان درچارچوب "خودگردانی" ویا "خودمختاری" فرهنگی و اداری می‌توان عوامل ایجاد تحریک و تشنج را از دشمنان انقلاب گرفت و اتحاد داوطلبانه و صادقانه همهٔ خلق‌های ایران را براساس دوستی و حقوق برابرملی تامین نمود. اتحادی که بدون‌تردید، یکی از مهمترین عناصر ثبات جامعه انقلابی ما و کامیابی‌اش در نبرد علیه دشمنان داخلی و خارجی به‌سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکاست.

★ ★ ★

نگاهی به واقعیت‌های حاکم بر جامعه کنونی، ما را باد شواری‌های بسیاری که در برابر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند میهن عزیزمان قد علم کرده‌اند، آشنا می‌سازد. چیره‌شدن بر این دشواری‌ها مسلما کار آسانی نیست، ولی انقلاب ما، هم در درون کشور و هم در میدان نبرد جهانی علیه امپریالیسم و ارتجاع، از چنان نیروها و امکانات بالفعل و بالقوه‌ای برخوردار است که می‌تواند، در صورت بهره‌گیری عقلائی از آنها، همه دشواری‌ها را از سرراه‌خود بردارد. یکی از عمده‌ترین این نیروها و امکانات، گنجینه عظیم تجارب خلق‌های محروم جهان در نبردهای بزرگ خویش برای به پیروزی رساندن انقلاب‌های مردمی است.

بدون‌تردید انقلاب شکوهمند میهن‌ما دارای ارزش‌های والایی است که ما به حق بهره‌گیری از آنها را به‌دیگر خلق‌های محروم توصیه می‌کنیم. ولی‌تصور این

که تنها با تکیه بر این ارزش‌ها، و بدون بهره‌گیری از تجربه دیگر خلق‌ها ما در همه زمینه‌ها بهتر و درست‌تر از همه دیگر خلق‌ها بر دشواری‌ها چیره خواهیم شد، می‌تواند موانع جدی در راه برانداختن دشواری‌های انقلاب ایجاد کند. با کمال تاسف این شیوه برخورد زیان‌آور اکنون در بخش چشمگیری از مبارزان راه انقلاب و حتی در بخشی از مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بچشم می‌خورد.

واقعیت این است که پیش از ما خلق‌های بسیاری برای ریشه‌کن ساختن نظام‌های پوسیده جنایت‌بار و غارتگر قیام کرده، انقلاب خود را به پیروزی رسانده، آن را تثبیت و تحکیم بخشیده و گسترش داده‌اند، و پس از ما نیز بدون تردید خلق‌های دیگری به چنین پیروزی‌ها دست خواهند یافت، و هر یک ازاین خلق‌ها ارزش‌های والای تازه‌ای به گنجینه پیکار تاریخی انقلابی مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خواهند افزود. ما باید در همه میدان‌های نبرد اجتماعی و بویژه در نبرد برای انجام دگرگونی‌های بنیادی‌بسود محرومان، از تجارب گرانبهای سایر خلق‌ها بهره‌گیری کنیم. این یک واقعیت تاریخی بارها آزمون‌شده‌ای است، که برپاداشتن یک نظام نو و متکی به عدالت اجتماعی بر ویرانه‌های یک نظام جابرانه سرنگون‌شده، ده‌ها بار دشوارتر و بغرنج‌تر از براندازی نظام کهنه است.

پیام ما به همهٔ نیروهای راستین هوادار انقلاب

خواهران و برادران و همرزمان ارجمند

پیام ما به شماست:

به شما مسلمانان پیرو راستین امام‌خمینی در حاکمیت و خارج از آن که در برابر توطئه‌های امپریالیسم استوار ایستاده‌اید و با هرگونه مسخ محتوای واقعی انقلاب شکوهمند ایران مبارزه می‌کنید؛

به شما زحمتکشان و میهن‌دوستانی که در راه پیاده‌کردن محتوای مردمی قانون اساسی، در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می‌رزمید؛

به شما خلق‌های محروم و ستمدیده ایران که در انقلاب شکوهمندمان، آرزوهای حق طلبانه خود را منعکس می‌بینید.

پیام ما به همه احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی ـ اجتماعی ضد ـ امپریالیستی و مردمی ایران ـ از هر مسلک و عقیده‌ای است.

پیام ما، نیز به شما هواداران راه‌گم‌کرده "مجاهدین‌خلق" و دیگر گروه‌های چپ‌روی است که‌به‌سبب خیانت برخی از رهبران و اشتباهات برخی دیگر، از جاده انقلاب به کنار افتاده‌اید.

پیام ما به همه شماست.

بیایید دست در دست هم بزرگترین توطئه دشمنان انقلاب ایران، یعنی

توطئه ایجاد نفاق و چنددستگی را در هم شکنیم و جبهه متحد دفاع از انقلاب شکوهمندمان را تشکیل دهیم و همه نیروهای هوادار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در یک سنگر واحد گردآوریم.

هموطنان، برادران و خواهران همرزم!

بیائید با اتحاد و اتفاق تاریخی خود جبهه نیرومند و شکست‌ناپذیر دفاع از جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در برابر دشمنان پلید آن را سازمان دهیم و طومار همه توطئه‌های کنونی و آینده آنها را در هم پیچیم!

مردم زحمتکش میهن‌مادست در دست هم و با اتحادی کم‌نظیر نظام استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم را برانداخته، نظام جمهوری اسلامی برقرار کرده‌اند به این امید که این جمهوری آرزوی دیرینه آنان یعنی استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی را تامین کند. انقلاب شکوهمند این مردم زحمتکش در یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان، که شریان زندگی امپریالیسم جهانی از آن می‌گذرد، ضربه کاری و جبران‌ناپذیری بر تمام سیستم تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم جهانی وارد آورد و به همین جهت از همان نخستین روزهای اوجگیری خود، شدیدترین کین این دشمنان جامعه بشری را علیه خود برانگیخت. امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا، تا روزی که هنوز بعنوان قدرت بزرگ و خطرناک در جهان وجود دارند، بهیچوجه نمی‌توانند با انقلاب ایران و آماج‌های استقلال‌طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه‌اش سازگار باشند.

ما می‌بینیم که اتحاد شوروی، پس از ۶۴ سال که از انقلابش می‌گذرد و با آن که امروز قدرت عظیم شکست‌ناپذیری را تشکیل می‌دهد، هم‌چنان آماج انواع توطئه‌های جنایتکارانه آمریکای جهانخوار است. خلق کره بیش از سی سال است که در راه بازیابی وحدت سرزمین خود، برای بیرون‌کشیدن بخش جنوبی میهن خود از چنگال‌خونین زاهزنان غاصب، علیه امپریالیسم آمریکا می‌جنگد. خلق کوبا بیست سال است‌که با محاصره اقتصادی و دیگر توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا در نبرد است. خلق ویتنام سی سال آزگار قهرمانانه رزمید تا به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دست یافت و هنوز هم مدام، از شمال غرب و جنوب و شرق، آماج توطئه‌های آمریکاو خائنان چینی و مزدوران آمریکا در چین در کشورهای همسایه خویش است.

خلق آنگولا، که پس از قرن‌هانبرد و خون‌دادن به استقلال و آزادی رسید، امروز دستخوش هجوم امپریالیسم آمریکا و نژادپرستان آفریقای جنوبی است. خلق‌های فلسطین، سوریه، لیبی، یمن دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان و هر خلق دیگری در هر نقطه‌ای از جهان، که توانسته‌است استقلال خود را بدست آورد و در راه تامین آزادی و عدالت اجتماعی گام بردارد، هدف توطئه‌های راهزنانه پایان‌ناپذیر امپریالیسم آمریکا و دستیارانش قرار دارد. خلق فلسطین با اسرائیل آمریکائی دست و پنجه نرم می‌کند، خلق صحرا با شاه حسن، دست‌نشانده دیگر آمریکا، و خلق نامیبیا با آفریقای جنوبی، دستیارامپریالیسم

جهانی ، در پیکار مرگ و زندگی است .

مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا ، دشمن شماره یک جامعه بشری ، مبارزه‌ای است طولانی ، ودشواروبغرنج . ساده‌بینانه است اگر تصور شود که با پیروزی ما در این یا آن نبرد جداگانه ، مبارزه با امپریالیسم جهانخوار آمریکا ، پایان خواهدپذیرفت . این دشمن تاکنون توانسته‌است در کشورهایی چون اندونزی ، شیلی ، مصر ، کنگو ، سودان ، پرتغال با کاربرد شیوه‌ها و وسایل گوناگون ، انقلاب‌های مردمی را با شکست روبرو سازد . تنها صف متحد خلق آگاه و آماده برای ایثار در مبارزه مرگو زندگی است که می‌تواند انقلاب‌ها را از گزند این دشمن شریر جامعه انسانی مصون دارد .

تجربه انقلاب‌های شکست‌خورده گواه بر آن است که هرگونه تنگ‌نگری ، خودمحوری و انحصارطلبی در زمینه شرکت در نبرد میهنی علیه دشمنان استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ، فاجعه‌انگیز است و برای نفاق‌افکنی ، برادرکشی و سرانجام شکست انقلاب مساعدترین محیط را پدید می‌آورد . در چنین محیط هایی است که دشمنان مکار و کارکشته انقلاب عمال خود را به آسانی جا می‌زنند ، با کمک آنها نهال‌های نفاق و چنددستگی را آبیاری می‌کنند و به صورت دشمن آشتی‌ناپذیر ، تا حد ایجاد برخوردهای خونین برادرکشی ، می‌رویانند .

مسافرت هیئتی از مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی ایران به کشور سوسیالیستی جمهوری دمکراتیک خلق کره و مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با دبیرکل حزب کار کره و رهبر جمهوری دمکراتیک خلق کره ، مسافرت نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به جمهوری‌های الجزایرو لیبی ، مذاکرات وزیر امور خارجه ایران با رهبران کشورهای جبهه پایداری ، دیدار هیئت‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران از جمهوری دمکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگسلاوی ، شرکت هیئت پارلمانی ایران در کنفرانس هاوانا و دیدار با فیدل کاسترو دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و رهبر جمهوری سوسیالیستی کوبا ــ همه گواه بر این واقعیت است‌که در جهان ما ، همه نیروهایی که در یک آماج اساسی و تعیین کننده ، یعنی در مبارزه علیه تسلط جابرانه امپریالیسم جهانخوار و ارتجاع سیاه جهانی به سرکردگی آمریکا ، با یکدیگر شریکند ،صرفنظر از معتقدات مذهبی ، فلسفی و اجتماعی گوناگون خود ، جبهه جهانی مشترک عظیمی را علیه امپریالیسمو ارتجاع جهانی تشکیل می‌دهند .

باتوجه به این واقعیت ، این سئوال پیش می‌آید که : پس چرا نمی‌شود همان عاملی را که کیم‌ایرسن و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی را در یک جبهه علیه دشمن مشترک متحد می‌کند ، و یا حجت‌الاسلام دعائی را با فیدل کاسترو در عمده‌ترین مسائل مربوط به سرنوشت مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم ، یعنی مسائل مربوط به استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ، به موافقت می‌رساند ، در کشورمانیز به کارگرفته شود تامبارزان پیروخط امام‌خمینی وتوده‌ای و فدائی (اکثریت) پشتیبان سمتگیری استقلال‌طلبانه و آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه

امام ، وسایر نیروهای وفادار به این آماج‌ها ، دریک صف واحد متحد گردند .

به‌نظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، این عامل تاریخی جهانی ، یعنی ضرورت اتحاد همه نیروهای مبارز ضدامپریالیسم و ضدبیدادگری درون یک کشور و سراسر جهان را می‌توان و باید در جامعه ما بکار گرفت . سرنوشت انقلاب ما به این امر بستگی دارد .

این آن حلقه اساسی در زنجیر عوامل گوناگون است که ، با بدست گرفتن آن می‌توان کلاف درهم‌پیچیده را گشود و کوتاه‌ترین ، درست‌ترین و کم‌رنج‌ترین راه را برای چیره‌شدن بر دشواری‌ها یافت .

بی‌اعتنایی به این ضرورت تاریخی ، انقلاب ما را در بی‌راهه‌ها سرگردان خواهدکرد .

برادران و خواهران همرزم !

بیایید ، همهٔ نیروهای‌خودرابرای تحقق اتحادبزرگ تاریخی خویش به کار گیریم . فراموش نکنیم که اتحاد ، برنده‌ترین سلاح ما درپیکار علیه دشمنان انقلاب است و درست به همین جهت نیز دشمنان انقلاب ما تمام نیروی جهنمی خود را برای جلوگیری از تحقق چنین اتحادی به کار انداخته‌اند .

برما است که این توطئهٔ دشمنان انقلاب وشکوفایی جمهوری اسلامی ایران را با ناکامی روبرو سازیم .

برقرار باد اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه استقلال ،آزادی و عدالت اجتماعی !

پیروزباد انقلاب بزرگ ضداستبدادی ، ضدامپریالیستی و مردمی ایران !

کمیته‌مرکزی‌حزب‌تودهٔ‌ایران

کمیته‌مرکزی‌سازمان‌فدائیان‌خلق‌ایران (اکثریت)

آبان ۱۳۶۰